گلشن مهر

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ سه شنبه ۲۶ آبان ماه ۱۴۰۵/ سال بیست و هشتم /شماره ۳۲۹۵/ ۸ صفحه / ۲۵۰۰۰ تومان

دفتر خدمات دولت حقی

نشانی:گرگان – خیابان شهید بهشتی، روبروی خیابان اول گرگانجدید. پاساژ رضا. واحد ۴ و ۱۷

شماره: ۰۹۱۱۲۶۸۰۲۴۹
۰۹۲۲۲۶۸۰۲۴۹



۲ ضرورت تخصیص مالیات نشان‌دار به آزمایشگاه دانشگاه کشاورزی گرگان



۳ رونق کشت پاییزه در گنبدکاووس با افزایش بارندگی‌ها



۴و۵ سخنرانی دکتر صادق حقیقت در خانه اندیشه وران «مساله ایران» در نواندیشی دینی



جایگاه راهبردی گلستان در تامین مرغ کشور

« ۶ »



تکلیف مردم و منابع در مالیات

«یادداشت»

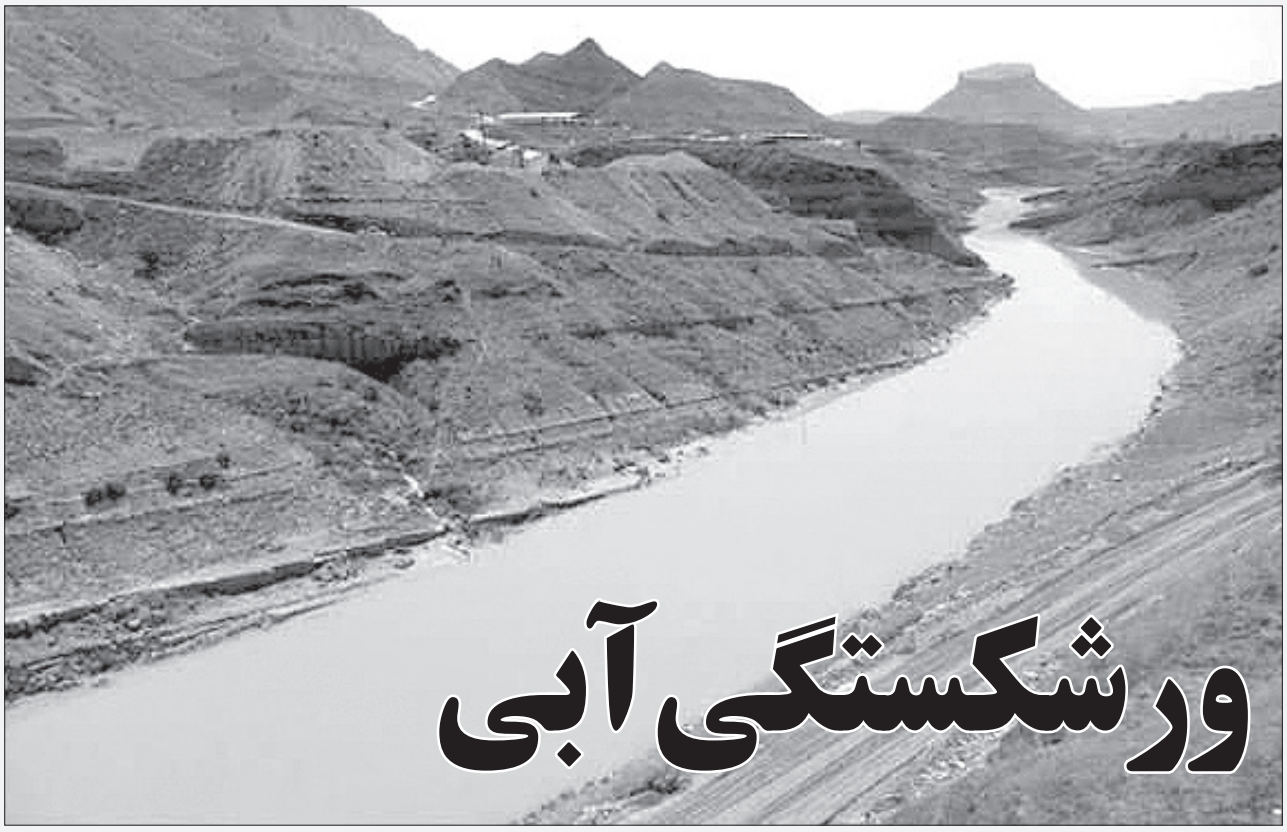
« ۷ »



نقد داستان

باد بلیت را برد

« ۸ »



ورشکستگی آبی

رود اترک پیش از این، پنجمین رود بزرگ ایران بود. از کوه‌های هزار مسجد در خراسان رضوی می‌آمد، قوچان، فاروج، شیروان و بجنورد را طی می‌کرد. جایی نزدیک به اینچه‌برون به مرز ترکمنستان می‌رسید و به این کشور می‌رفت تا در آخر به دریای خزر بریزد. حالا نزدیک به ۲۰ سال است که دیگر بیشتر وقت‌ها تا قوچان هم نمی‌رسد، یعنی به اولین شهری که سر راهش قرار دارد.

فاطمه سراوانی- باران می‌بارد، اما آب از دست می‌رود؛ آنچه تردیدی در آن وجود ندارد این است که مشکل گلستان نه فقط کم‌آبی، بلکه فقدان حکمرانی موثر بر آب است. استانی که در تصور عمومی، کمتر از بسیاری از مناطق ایران با مسئله کم‌آبی مواجه است. اما واقعیت امروز گلستان، فاصله‌ای نگران‌کننده با این تصویر دارد. بحران آب در گلستان، آرام و بی‌صدا از پشت سدها عبور کرده، به عمق آبخوان‌ها رسیده و اکنون در اقتصاد کشاورزی، امنیت غذایی، محیط‌زیست و آینده سکونت در دشت‌ها خود را نشان می‌دهد. نکته تامل‌برانگیز آن است که حتی افزایش بارندگی‌ها نیز نتوانسته روند فرسایش منابع آبی استان را متوقف کند. بر اساس گزارش‌های منتشرشده از وضعیت منابع آب گلستان، در سال آبی ۱۴۰۳ـ۱۴۰۴ میزان بارندگی نسبت به سال قبل ۴۱.۲ درصد افزایش داشته، اما جریان آب در رودخانه‌های قره‌سو، گرگان‌رود و اترک به‌ترتیب ۸۰.۸، ۷۲.۲ و ۹۰.۷ درصد کاهش یافته است (شرکت آب منطقه‌ای گلستان، ۹ مهر ۱۴۰۴). هم‌زمان، ذخیره آبخوان کم‌عمق استان نسبت به میانگین بلندمدت ۲۹۸.۴ میلیون مترمکعب و آبخوان عمیق ۶۶ میلیون مترمکعب کاهش نشان داده است (بر پایه گزارش‌های رسمی منابع آب استان). این اعداد یک پیام روشن دارند که بارش بیشتر به معنای منابع آبی بیشتر نیست. بخش عمده این بارش در قالب سیلاب از استان خارج شد و به سفره‌های زیرزمینی نرسید؛ زمینی که با کاهش پوشش گیاهی و تغییر کاربری نفوذپذیری خود را از دست داده، دیگر نمی‌تواند باران را ذخیره کند. مشکل اینجاست که در گلستان، میان آن چیزی که طبیعت توان تامین آن را دارد و آنچه ساختارهای اقتصادی و مدیریتی از منابع آب مطالبه می‌کنند شکاف عمیقی وجود دارد، سال‌ها توسعه کشاورزی بدون توجه کافی به ظرفیت واقعی آب، گسترش سطح زیرکشت، وابستگی به چاه‌ها و نگاه پروژه‌محور به تامین آب، این تصور را تقویت کرده که هر میزان تقاضا را می‌توان با حفر چاه، احداث سد یا اجرای طرح انتقال آب پاسخ داد. حاصل چنین نگرشی، انتقال هزینه توسعه امروز به سفره‌های زیرزمینی و نسل‌های آینده است. در این میان، یک تناقض جدی در سیاست‌گذاری استان دیده می‌شود و آن این است که از یک سو درباره کمبود آب هشدار داده می‌شود و از سوی دیگر، همچنان بخش مهمی از راه‌حل‌ها در قالب افزایش ظرفیت تامین تعریف می‌شود. تکمیل سدها و شبکه‌های آبیاری، اگر با سقف‌گذاری واقعی برداشت و اصلاح الگوی تولید همراه نباشد، ممکن است به جای کاهش مصرف، تقاضای تازه‌ای ایجاد کند. افزایش راندمان آبیاری نیز زمانی ارزشمند است که به کاهش برداشت از منابع منجر شود، نه اینکه آب آزادشده دوباره صرف توسعه سطح زیرکشت شود. باید یک قرارداد روشن و الزام‌آور برای بازسازی تراز آبی داشته باشیم. نخستین مطالبه باید انتشار عمومی ترازنامه سالانه آب در سطح شهرستان‌ها و حوضه‌های آبریز باشد؛ با مشخص شدن میزان منابع تجدیدپذیر، برداشت واقعی، تعداد چاه‌های مجاز و غیرمجاز و سهم محیط‌زیست. همچنین کنترل برداشت باید از سطح شعار فراتر برود و با نصب کنتورهای هوشمند، تحویل حجمی آب و برخورد بدون تبعیض با برداشت‌های غیرمجاز اجرا شود؛ امروز از ۲۰ هزار چاه مجاز استان، ۱۷.۵۰۰ حلقه مربوط به بخش کشاورزی است که حدود ۸۸ درصد کل برداشت آب زیرزمینی استان را تشکیل می‌دهد...

ادامه در صفحه ۲

یادداشت اول

کتاب و کتاب خوانی

■ **با مسوولیت سردبیر**

هفته کتاب و کتاب خوانی است و به همین خاطر نمایشگاهی هم از آثار ناشران گلستانی در حال برگزاری است که خوب است اهل کتاب سری هم به آنجا بزنند. اما درباره کتاب، حقیقت آن است که وضعیت بازار کتاب در ایران سالهاست که شایسته نام ایران و ایرانی نیست، علت اساسی آن نیز بهم ریختگی ساختارهای توسعه در ایران است. این به هم ریختگی تا به آنجاست که امروزه درباره تعریف واژه کتاب هم دچار مشکل هستیم، بر این اساس بسیاری گمان می کنند هر مجلدی یک کتاب است در حالی که آنگونه که می دانیم کتاب چار چوب های خاص خود را در انتشار دارد. علاوه بر اینها باید گفت قیاس کتابخوانی در کشور ما با کشورهای توسعه یافته نشانگر آن است که در عمق فاجعه به سر می بریم شمارگان چند صد نسخه ای و گاه کمتر برای کتاب های پژوهشی و حداکثر هزار و چند صد نسخه ای برای کتابهای سرگرمی و رمان های صاحب سبک نشانگر اوج دور افتادگی ما از مطالعه است و ناگفته پیداست که چرخه مطالعه چرخه ای است که ارتباط مستقیم با توسعه متوازن داشته و دارد. نویسنده باید ذهنی آرام و آزاد داشته باشد تا توان بروز خلاقیت و نوشتن اثری ارجمند در او بوجود آید و برای چنین آرامش و امکانی نیازمند زندگی حداقلی است که در آن کسی مزاحم روح و روان او نشود تا بتواند خلاقیت های خود را به قلم بیاورد. در کنار آن باید ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه به گونه ای سامان داشته باشد که شهروندان درمانده هزینه خرید آثار فرهنگی نباشند افزون بر همه اینها نیازمند مدیرانی کار بلد و اهل مطالعه ایم به این خاطر تا زمانی که به سوی حکمرانی علمی گام بر نداریم و زمینه توسعه فرهنگی را با پذیرش سلایق گوناگون فراهم نیاوریم امید به بالا رفتن سطح مطالعه و شمارگان کتاب امیدی غیر منطقی و دور از دسترس است به این خاطر به نظر می آید باید حوزه فرهنگ را از نگاه سیاسی و ایدیولوژیک دور نگه داشت و زمینه را برای بروز استعدادهای آحاد شهروندان فراهم کرد بر این اساس تا آن زمان بعید است که شمارگان آثار فرهنگی و یا تنوع و تکثر آثار به گونه ای شود که برای ما مایه دلخوشی فراهم آورد.

ادامه تیتر اول

و تنها ٦.٥٠٠ چاه عمیق به کنتور حجمی هوشمند مجهز شده‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی مدیریت منابع آب ایران، ١٦ آذر ١٤٠٤). ضمن اینکه سیاست کشاورزی استان باید از حمایت صرف از سطح تولید به سمت حمایت از ارزش اقتصادی محصول به ازای هر مترمکعب آب تغییر کند.
کشاورز نباید قربانی سوءمدیریت شود؛ اصلاح الگوی کشت بدون تضمین خرید، حمایت مالی، بیمه و بازار جایگزین، فقط انتقال بار بحران به دوش تولیدکننده است.
همچنین احیای گرگان‌رود، حفاظت از تالاب‌های بین‌المللی آلاگل، آلماگل و آجی‌گل و بازگرداندن حقابه‌های محیط‌زیستی باید به شاخص‌های قابل سنجش عملکرد دستگاه‌های اجرایی تبدیل شود. طبیعت نباید آخرین دریافت‌کننده آب و نخستین قربانی کمبود آن باشد. استانداری گلستان با مشارکت وزارت نیرو، جهاد کشاورزی، محیط‌زیست، دانشگاه‌ها، تشکل‌های کشاورزی و بخش خصوصی، برنامه‌ای ده‌ساله با اهداف کمی، بودجه مشخص، زمان‌بندی اجرایی و گزارش‌دهی عمومی تدوین کند. برنامه‌ای که موفقیت آن نه با تعداد سدها، چاه‌ها و طرح‌های افتتاح‌شده، بلکه با توقف افت آبخوان‌ها، کاهش برداشت، بهبود جریان رودخانه‌ها و احیای تالاب‌ها سنجیده شود. مسئولیت مدیریت آب را نمی‌توان پشت خشکسالی، تغییر اقلیم یا رفتار مصرف‌کنندگان پنهان کرد. چرا کسی پاسخ نمی‌دهد که چه نهادی پاسخ‌گوی تخریب آبخوان‌هاست و چرا هزینه سال‌ها تصمیم‌گیری نادرست باید بر دوش کشاورز و محیط‌زیست قرار گیرد؟
واقعیت آن است که در دو دهه گذشته حدود ٨٠٠ میلیون مترمکعب برداشت مازاد از سفره‌های زیرزمینی استان انباشته شده (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان) و حجم آب مخازن سدهای بزرگ استان به ٧.٧٧٤ میلیون مترمکعب، یعنی تنها ٣.٢ درصد ظرفیت، رسیده و ٩ سد از ١٤ سد بزرگ و کوچک خشک شده است (شرکت آب منطقه‌ای گلستان، شهریور ١٤٠٤). این‌ها نتیجه یک سال و دو سال و چند سال بی‌بارانی نیست؛ نتیجه زنجیره‌ای از تصمیم‌هاست که کسی خود را پاسخ‌گوی آن نمی‌داند.
باران‌های سیل‌آسای روزهای اخیر گلستان، فرصتی دوباره برای تامل در سرنوشت آب این سرزمین است؛ بارانی که اگر با تدبیر، برنامه‌ریزی و مدیریت درست همراه نشود، از دشت‌ها و رودخانه‌ها عبور می‌کند و می‌رود، بی‌آنکه چیزی از بحران انباشته آب گلستان کم کند.

ضرورت تخصیص مالیات نشان‌دار به آزمایشگاه دانشگاه کشاورزی گرگان



رییس دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان با تاکید بر ضرورت تخصیص مالیات نشان‌دار به طرح آزمایشگاه مرکزی این دانشگاه گفت: تکمیل این مجتمع، با فراهم‌کردن امکان انجام آزمایش‌های پیشرفته و پشتیبانی از پژوهش‌های کاربردی، می‌تواند در افزایش بهره‌وری کشاورزی، حفاظت از منابع طبیعی و توسعه استان گلستان و کشور نقش‌آفرین باشد.به گزارش روابط عمومی، ابوالقاسم خزاییان اظهار کرد: مجتمع آزمایشگاهی دانشگاه یکی از طرح‌های مهم دانشگاه و کشور به‌شمار می‌رود و قرار است با استقرار تجهیزات پیشرفته، به رشته‌های مختلف دانشگاه و پژوهشگران خدمات آزمایشگاهی ارائه دهد.وی با اشاره به پیشرفت فیزیکی ٩٣ درصدی این طرح افزود: این مجتمع در مجموع حدود ٦ هزار مترمربع زیربنا دارد که چهار هزار مترمربع آن به ساختمان آزمایشگاه و دو هزار مترمربع به گلخانه صنعتی اختصاص یافته و تاکنون بیش از ٥٨ میلیارد تومان برای اجرای آن هزینه شده است.وی با بیان این‌که اعتبار مصوب سال جاری طرح ٢٤٨ میلیارد تومان است، گفت: همچنین ٢٧.٦ میلیارد تومان به‌صورت اسناد خزانه برای آن تخصیص یافته و پیش‌بینی شده حدود ٢٧ میلیارد تومان نیز از محل مالیات نشان‌دار به این پروژه اختصاص یابد.خزاییان ادامه داد: با تامین اعتبارات موردنیاز، پیش‌بینی می‌شود بخش قابل توجهی از مجتمع در سال آینده به بهره‌برداری برسد. در کنار این مجموعه، زیرساخت‌هایی از جمله پارکینگ و ایجاد ١٠٠ مگلوات نیروگاه خورشیدی نیز پیش‌بینی شده و ٥٠ مگاوات بهره برداری وجود بقیه در دست اجرا است.رییس دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، خدمات این آزمایشگاه را در مدیریت مصرف آب کشاورزی، افزایش عملکرد محصولات راهبردی از جمله گندم، جو و برنج و بهینه‌سازی مصرف کودهای شیمیایی موثر دانست و افزود: آزمایش و بررسی شوری خاک، مدیریت اراضی، پایش آلودگی آب و خاک، مقابله با فرسایش خاک و بیابان‌زایی و حفاظت از جنگل‌ها و مراتع نیز از زمینه‌هایی است که این مجموعه می‌تواند در آن‌ها به استان و کشور خدمات ارائه دهد.وی ادامه داد: آزمایشگاه مرکزی همچنین می‌تواند به ارتقای کیفیت مواد اولیه و استفاده بهینه از پسماندهای کشاورزی و صنایع چوب و کاغذ کمک کند، موضوعی که با توجه به ظرفیت‌های استان گلستان در کشاورزی، دامپروری، شیلات و اقتصاد دریامحور اهمیت ویژه‌ای دارد.خزاییان با اشاره به نقش دانشگاه در توسعه منطقه گفت: این دانشگاه با توجه به موقعیت جغرافیایی و مزیت‌های کشاورزی و طبیعی گلستان تاسیس شده و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی آن می‌تواند بر اشتغال جوانان و اقتصاد استان اثر بگذارد. امکانات و تجهیزات دانشگاه نیز در خدمت آموزش دانشجویان و جوانان استان و کشور قرار دارد.
وی افزود: اکنون در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان حدود چهار هزار دانشجو در ١٨ رشته کارشناسی، ٦١ رشته کارشناسی ارشد و ٤٠ رشته دکترا مشغول تحصیل هستند و بخش زیادی از پژوهش‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی به مسائل محیط‌زیستی، منابع طبیعی، توسعه کشاورزی و آبزی‌پروری مربوط است.دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان در سال ١٣٣٦ فعالیت خود را به‌عنوان آموزشگاه عالی جنگل آغاز کرد و در ادامه به دانشگاهی تخصصی در حوزه علوم کشاورزی و منابع طبیعی تبدیل شد.رییس دانشگاه از اجرای ٣ طرح عمرانی دیگر در این مرکز خبر داد و گفت: همه این طرح‌ها پیمانکار و قرارداد دارند و اعتبارات ابلاغی سال گذشته در ردیف‌های عملیاتی جذب شده است.از جمله این طرح‌ها، خوابگاه متاهلی ٥٨ واحدی است که ٣٨ واحد آن سال گذشته در هفته دولت افتتاح شد و ٢٠ واحد دیگر در دست اجراست. خزاییان همچنین با اشاره به پروژه دانشکده جنگلداری و مهندسی چوب و کاغذ گفت: این طرح با زیربنای حدود پنج هزار مترمربع، در مراحل پایانی اجرا قرار دارد و تلاش می‌کنیم بخش آزمایشگاهی آن امسال افتتاح شود. پروژه دانشکده علوم طبیعی نیز با زیربنای ١٠ هزار مترمربع، ٨٩ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و برای تکمیل آن حدود ٥٥ میلیارد تومان اعتبار موردنیاز است.وی با اشاره به جایگاه علمی این دانشگاه درسطح بین المللی، افزود: این دانشگاه در برخی حوزه‌های تخصصی، از جمله صنایع غذایی، علوم دامی و کشاورزی، در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی جایگاه قابل توجهی دارد. توسعه ظرفیت‌های آزمایشگاهی می‌تواند زمینه بهره‌گیری بیشتر از این توان علمی را برای افزایش بهره‌وری کشاورزی و حفاظت از محیط‌زیست فراهم کند.رییس اتاق اصناف مرکز گلستان نیز با اشاره به این که تاکنون از سوی مودیان استان برای بیش از ٣٠ درصد از تامین ٧١٠ میلیارد تومان اعتبار ٣٧ طرح نشان‌دار کردن مالیات، مشارکت داشته‌اند، خواستار همراهی مودیان باقی مانده استان در تکمیل تامین اعتبار ٣٧ طرح اولویت دار و زیرساختی استان شد.محمد ذاکرزاده گفت: اجرای این طرح که سومین سال آن است، فرصت بسیار خوب برای استان‌های محروم همچون گلستان بوده که از محل مالیات در بهره‌برداری از طرح‌های زیرساختی و اولویت‌دار خود بیشتر بهره ببرد.مسوول روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی گلستان نیز از ٧ طرح حوزه درمان و سلامت استان در قالب نشان‌دار کردن مالیات با اعتبار ١٤٠ میلیارد تومان خبر و گفت: از این طرح ساخت بیمارستان جایگزین طالقانی شهر گرگان با استقبال مودیان داخل استان و خارج از استان مواجه شده و اعتبار ٢٠ میلیارد و ٤٠٠ میلیون تومان آن به طور کامل جذب شده است.حسن فرید خواستار مشارکت مودیان استان در اجرای طرح نشان دار کردن مالیات برای ٦ طرح دیگر شد و گفت: تکمیل بیمارستان گالیکش با ٩٥ درصد پیشرفت فیزیکی ١٠٠ میلیارد تومان اعتبار در این طرح دیده شده که تاکنون ٣٣ میلیارد تومان ان از سوی مودیان تضمین شده است.وی یادآور شد: تکمیل ساخت بیمارستان گالیکش می‌تواند نقش بسزایی در ارائه خدمات درمانی به ساکنان این شهرستان و مسافران و زائران عبوری امام رضا (ع) داشته باشد.مشاور مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان گلستان نیز با اشاره به اهمیت اجرای طرح‌های نشان‌دار کردن مالیات در اجرای طرح‌های اولویت‌دار و تاثیر گذار این شرکت در استان، گفت: امسال اداره کل امور مالیاتی استان ٩ طرح این شرکت را در شهرستان‌های تابعه استان برلی تامین اعتبار برای بهره‌برداران از طریق پرداخت مالیات به مودیان معرفی کرده است. حسین رضوی افزود: برای اجرای ٩ طرح شرکت آب و فاضلاب استان از محل نشان‌دار کردن مالیات ٦٧٧ میلیارد تومان دیده شده که تاکنون ٥ طرح در شهرستان‌های آزاد شهر، کردکوی، گمیشان و گرگان تامین اعتبار آن از سوی مودیان انجام شده و بقیه نیز با استقبال مودیان در فرصت باقی مانده تا سی ام آبان سال‌جاری تامین اعتبار خواهد شد.

استقبال ٦ هزار مؤدی از طرح نشان‌دار کردن مالیات

مدیرکل امور مالیاتی گلستان از مشارکت ٦ هزار و ٢٦٥ مؤدی در طرح نشان‌دار کردن مالیات در این استان خبر داد و گفت: تاکنون حدود ٢٦٦ میلیارد تومان معادل ٣٨ درصد از اعتبار مورد نیاز برای اجرای ٣٧ طرح استان از این محل تامین شده است. به گزارش روابط عمومی، قربان حاجی‌مشهدی اظهار کرد: برای تکمیل این طرح‌ها در مجموع ٧١٠ میلیارد تومان اعتبار نیاز است و بخشی از مودیان مالیاتی استان و دیگر مناطق کشور، طرح‌های گلستان را برای محل هزینه‌کرد مالیات خود انتخاب کرده‌اند. وی ادامه داد: از مجموع مشارکت‌کنندگان، پنج هزار و ٨١٤ نفر از مؤدیان گلستانی که ٤٥١ نفر از مؤدیان دیگر استان‌ها بوده‌اند که مؤدیان خارج از استان در مجموع ٣٢ میلیارد و ٤٠٠ میلیون تومان از مالیات خود را به طرح‌های گلستان اختصاص داده‌اند. مدیرکل امور مالیاتی گلستان با قدردانی از مؤدیان مشارکت‌کننده، مسوولان و فعالان صنفی، گفت: پیگیری روسای اتحادیه‌ها و اتاق‌های اصناف استان و شهرستان‌ها برای معرفی طرح‌های گلستان به همکاران صنفی در استان‌های همجوار، در جلب مشارکت مؤدیان نقش داشته است. حاجی‌مشهدی با اشاره به این‌که ١٥ طرح از مجموع ٣٧ طرح تاکنون به‌طور کامل تامین اعتبار شدند، خواستار مشارکت مؤدیان باقی مانده در تامین سایر طرح‌های نشان دار مالیات در استان شد. وی ساختمان آموزشی و کارگاهی پسران گرگان را از دیگر طرح‌های مورد استقبال دانست و گفت: ٤١٧ مؤدی در تامین اعتبار این طرح مشارکت کرده‌اند. مدیرکل امور مالیاتی گلستان همچنین شهرستان گرگان را در شمار شهرستان‌های پیشتاز از لحاظ تعداد مشارکت‌کنندگان معرفی کرد و افزود: هزار و ٦٨٥ مؤدی طرح‌های این شهرستان را انتخاب کرده‌اند که نزدیک به ١٠٠ نفر از آنان از خارج استان بوده‌اند.به گفته حاجی‌مشهدی، برخی طرح‌ها مانند شهرک صنعتی گنبد، سالن ورزشی روستای میرمحله گرگان و سرویس مرکزی دانشگاه گلستان با استقبال کمتری روبه‌رو شده‌اند.در طرح نشان‌دار کردن مالیات، مؤدیان می‌توانند محل مصرف بخشی از مالیات خود را از میان طرح‌های اعلام‌شده انتخاب کنند.



رونق کشت پاییزه در گنبدکاووس با افزایش بارندگی‌ها

گنبدکاووس با ۱۸۲ هزار هکتار اراضی زراعی و باغی از شهرستان‌های برتر استان گلستان درحوزه تولیدات کشاورزی به شمار می‌رود و رشد ٤١٧ درصدی بارش‌های پاییز امسال و ذخیره ٦٠ میلیون مترمکعبی آب در سدهای آن، نوید بخش پایان خشکسالی چند سال اخیر و سالی پررونق برای فعالان این بخش مولد است.به گزارش ایرنا، کشاورزان گنبدکاووس غالبا به‌سبب شرایط اقلیمی خشک و نیمه بیابانی این شهرستان مرزی بویژه در نواحی شمالی آن همواره چشم به آسمان و سخاوت آن می‌دوختند و این چشم انتظاری در چند سال اخیر با شدت گرفتن پدیده خشکسالی مضاعف شده بود اما امسال و با شروع سال زراعی جدید (اول مهر به بعد) و بارش‌های مناسب آن، امیدها برای رونق زراعت پاییزه بالاخص سه محصول «گندم، جو و دانه روغنی کلزا» بیشتر شده است. ارزش بارش‌های مطلوب در گنبدکاووس با دانستن این نکته قابل درک‌تر است که از مجموع ۱۸۲ هزار هکتار زمین‌های کشاورزی آن، حدود ۷۰ درصد دیم هستند و هرگونه کشت، داشت و برداشت محصول در این شهرستان به سخاوت آسمان و میزان بارش آن بستگی دارد.به باور کارشناسان کشاورزی، میزان بارش‌های آغازین سال زراعی جدید، شرایط (رطوبت خاک) را برای کشت زراعت پاییزه بویژه سه محصول گندم، جو و دانه روغنی کلزا در گنبدکاووس بالاخص نواحی شمالی آن فراهم کرده و کشت این محصولات با سرعت درحال انجام است.

رشد ٤١٧ درصدی بارش‌ها در گنبدکاووس

مطابق اعلام رئیس اداره هواشناسی گنبدکاووس حجم بارش‌ها درسال زراعی جاری ٤١٧ درصد در مقایسه بامدت مشابه سال قبل افزایش داشته و متوسط بارش‌ها دراین شهرستان ۹۵.۱ میلی‌متر بوده است. منصور فرشاد، از رشد ١١٦ درصدی بارش‌های سال زراعی جاری در گنبدکاووس در مقایسه با دوره آماری بلندمدت ۲۵ ساله هم خبر داد و افزود: این میزان باران، شاخص بارش‌ها در این شهرستان با اقلیم خشک و نیمه بیابانی را در وضعیت «بسیار مرطوب» قرار داده است.وی اضافه کرد: مطابق اطلاعات ثبت شده از ۱۳ ایستگاه هواشناسی (همدیدی، اقلیم شناسی و باران سنجی) مستقر در نقاط مختلف گنبدکاووس، از ابتدای سال زراعی جاری تاکنون از ٦٧.٩ میلی‌متر در منطقه «چپر قویمه» از توابع بخش داشلی‌برون تا ١٣٠.٤ میلی‌متر در روستای «کاکا» از توابع بخش مرکزی این شهرستان بارش ثبت شده است.فرشاد، حجم بارش‌ها طی سال زراعی جاری در شهر و حومه گنبدکاووس را ١١٧.٤ میلی‌متر اعلام کرد و ادامه داد: این میزان باران در مقایسه بامدت مشابه سال قبل ٣٨١ درصد و در مقایسه با دوره آماری بلند مدت هم ۹۸ درصد افزایش داشته است.به گفته رئیس اداره هواشناسی گنبدکاووس، از مجموع ۱۳ ایستگاه هواشناسی در این شهرستان، وضعیت شاخص بارش‌ها در ۱۲ ایستگاه آن بسیار مرطوب و تنها در ایستگاه «محمدایمر سرتپه» وضعیت مرطوب بوده است.

ذخیره ٦٠ میلیون مترمکعب آب در سدهای گنبدکاووس

شرایط مطلوب بارش‌ها در ۲ ماه آغازین سال زراعی جدید در گنبدکاووس همچنین سبب ذخیره حدود ٦٠ میلیون مترمکعب آب در پشت چند سد و بند خاکی این شهرستان مرزی شده که به باور کارشناسان این حجم ذخیره آب و به احتمال زیاد افزایش آن در ماه‌های پیش رو، تاثیر بسیار مثبتی بر تقویت سفره‌های آب زیرزمینی و تامین آب بخشی از اراضی کشاورزی اطراف و پایین دست آن خواهد داشت.به گفته مدیر امور منابع آب گنبدکاووس از ابتدای مهر تا ۲۳ آبان امسال حدود ٦٠ میلیون متر مکعب آب در سدها و بندهای خاکی حوزه این شهرستان ذخیره شده و این حجم ذخیره آب درحالی است که سال قبل تا این زمان، هیچ آبی در پشت سدها نبود.مجتبی عادلی افزود: براثر ۲ بارش خوب در مهرماه و آبان ماه جاری در گنبدکاووس هم اکنون ذخیره آب سدهای «بوستان و گلستان» این شهرستان به ترتیب ١٤ و ١٧ میلیون مترمکعب است.وی بابیان اینکه این میزان بارش معادل ٤٥ درصد حجم سد بوستان و ٤١ درصد حجم ذخیره سد گلستان است، اضافه کرد: ذخیره آب در سد «وشمگیر» (مشترک گنبدکاووس و آق قلا) نیز به ١١ میلیون مترمکعب معادل ۳۲ درصد حجم مخزن آن رسیده است.عادلی همچنین ذخیره آب در ۲ سد و بند خاکی گنبدکاووس را ٧.٦ میلیون مترمکعب معادل ٤٧.٥ درصد حجم مخزن و میزان آب در بند خاکی «اینچه‌برون» را ٢.٤ میلیون مترمکعب معادل تقریبی ۲۹ درصد مخزن آن اعلام کرد و گفت: حجم فعلی آب در ۲ تالاب بین المللی «آلماگل و آلاگل» واقع در شمال این شهرستان هم به‌ترتیب سه و ٤.١ میلیون مترمکعب رسیده است.

ابلاغ ۱۸۲ هزار هکتار الگوی کشت زراعت پاییزه در گنبدکاووس

پیش بینی بارش‌های مطلوب و وقوع پدیده اقلیمی «ال نینو» در کشور، استان گلستان و گنبدکاووس که از ماه‌ها پیش توسط سازمان هواشناسی مطرح می‌شد و درحال محقق شدن است، دست اندرکاران وزارتخانه‌های «جهادکشاورزی و نیرو» را بر استفاده بهینه از نزولات آسمانی برای کشت، داشت و برداشت و نیز ذخیره آن وا داشت.براین اساس درحوزه وزارت جهادکشاورزی، سهمیه‌های ابلاغی زراعت پاییزه بویژه در مناطق مستعد و دارای اراضی زراعی دیم از جمله در گنبدکاووس افزایش یافت و به گفته مدیر جهادکشارزی این شهرستان مرزی امسال سهمیه ابلاغی با ۲۰ هزار هکتار افزایش به ۱۸۲ هزار هکتار رسید.عبدالملک آرخی افزود: سهمیه ابلاغی و الگوی کشت زراعت پاییزه گنبدکاووس برای سال زراعی جاری ۱۸۲ هزار هکتار بود که از این مقدار ۱۳۸ هزار و ٥٨٦ هکتار آن گندم آبی و دیم، ۲۱ هزار و ۳۲۸ هکتار آن جو آبی و دیم، ۱۵ هزار و ۳۵۰ هکتار آن دانه روغنی کلز آبی و دیم و بقیه مربوط به دیگر زارعت پاییزه مانند چغندر قند است.وی با اشاره به تهیه نقشه پهنه‌بندی از اراضی کشاورزی گنبدکاووس در سال زراعی جاری، اضافه کرد: تا قبل از این اقدام سطح زیرکشت زراعت پاییزه این شهرستان ١٦٢ هزار هکتار بود که بخشی از اراضی به دلیل کم بارشی در سال‌های گذشته به زیرکشت نمی‌رفت.آرخی به بارش‌های خوب شروع سال زراعی جاری در گنبدکاووس هم اشاره کرد و گفت: این بارش‌ها سبب شد تا علاوه بر اراضی دیمی که هر ساله به سبب کم بارشی دراین شهرستان کشت نمی‌شد و هم مطابق تهیه نقشه پهنه‌بندی جدید، سطح زیر کشت محصولات زراعت پاییزه به ۱۸۲ هزار هکتار افزایش خواهد یافت.مدیر جهادکشاورزی گنبدکاووس ادامه داد: باتوجه به فصل کشت زراعت پاییزه و انعقاد بالای ۹۰ درصد قراردادهای الگوی کشت توسط کشاورزان با مراکز خدمات کشاورزی، تاکنون ۷۷۵۰ هکتار دانه روغنی کلزا، ٦٥٠٠ هکتار جو، ۱۳۵۵ هکتار گندم و ۲۵۰ هکتار چغندرقندر دراین شهرستان کشت شده است.

معماری داستان امروز

راوی اشیا؛ تاریخ مادی فجایع از نگاه جمادات

یوسف قوجّق ۱۸

یکی از جسورانه‌ترین تلاش‌های روایت معاصر برای شالوده‌شکنی از انسان‌محوری سنتی، واگذاری کرسی روایت به جمادات و اشیای صحنه است. در «معصومیت اشیاء»، (اورهان پاموک/نویسنده ترکیه‌ای)، پاموک با استفاده از اشیاء به ما نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با استفاده از اشیاء، داستان‌هایی را روایت کرد. او از اشیاء به عنوان نماد استفاده کرده. این شیوه تنها یک بازی فانتزی نیست؛ تمهیدی زیباشناختی است برای بازخوانی تاریخ بی‌رحم انسانی از منظری بی‌طرف، سرد، دیرپا و فاقد توجیهات اخلاقی و منافع شخصی.

یک شیء مادی، برخلاف انسان‌ها، نه ترسی از شکنجه دارد و نه انگیزه‌ای برای سانسور گناهان خویش. کت خونی می‌تواند لرزش دست سربازی که به صف اعدامی‌ها شلیک کرد را با جزئیاتی عاری از تعارفات قهرمان‌پرورانه گزارش دهد؛ چرا که شیء، شاهدی ابدی است که از فراز نسل‌ها عبور می‌کند، دست‌به‌دست می‌شود و انحطاط صاحبانش را بی‌هیچ داوری پیشینی ثبت می‌نماید. در رمان برجسته «نام من سرخ» اثر اورهان پاموک، فصولی که از زبان یک سکه تقلبی یا رنگ سرخ روایت می‌شوند، دقیقاً این چندصدایی بنیادین را به اوج می‌رسانند. معمایی جالب، عاشقانه‌ای جذاب و جلوه‌ای درخشان از قدرت هنر است که داستان آن در دوران جلال و جبروت و سرشار از دسیسه های مذهبی استانبول.

هشدار کارگاهی ضروری:

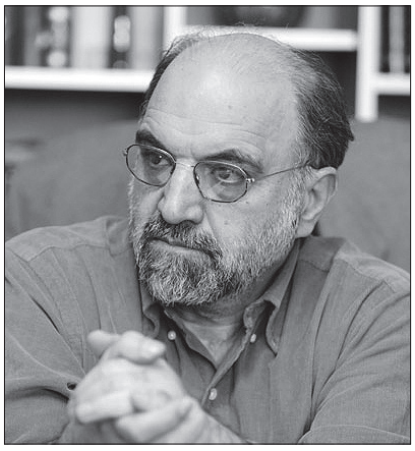
جان‌بخشی به اشیا نباید به ادبیات کودکانه و لحن فانتزی‌های ساده‌لوحانه سقوط کند. اگر شیء انتخابی صرفاً همان احساسات لوس و رقیق انسانی را بلغور کند، تکنیک فرو ریخته است. زبان راوی شیء باید حامل «مادیت، جنس و کارکرد فیزیکی» خودش باشد؛ یک تیغ جراحی باید برندگی، سرمای فلزی و بی‌اعتنایی سنگین خود را در بافت واژگان و نحو کلامش بازتاب دهد. ارزش روایت اشیا در این است که بی‌رحمی، دوام و سکوت ماده را در برابر شکنندگی و زوال انسان به رخ بکشد.

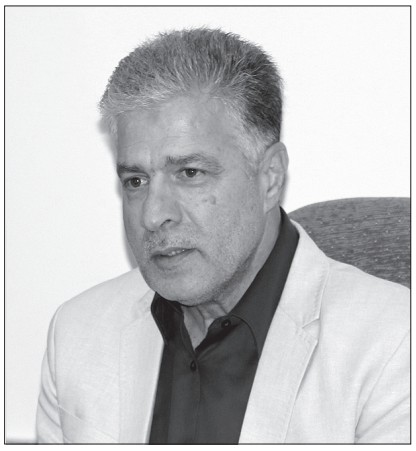


سخنرانی دکتر صادق حقی

«مساله ایران» در







اشاره

در شصت‌ویکمین نشست عمومی خانه اندیشه وران، هم‌زمان با ششمین سالگرد درگذشت دکتر داود فیرحی، ابعاد مختلف «مسئله ایران» در گفتمان نواندیشی دینی و نسبت آن با سنت، تجدد، هویت ملی و اندیشه سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. دکتر سید صادق حقیقت، استاد اندیشه سیاسی اسلام، در این نشست با تبیین دیدگاه‌های دکتر فیرحی و مقایسه آن با آرای دکتر سید جواد طباطبایی، بر ضرورت تدوین نظریه‌ای منسجم درباره ایران تأکید کرد و فقدان چارچوب نظری روشن برای تبیین رابطه منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی را از چالش‌های مهم اندیشه سیاسی معاصر دانست. به گزارش اندیشه ما دکتر سید صادق حقیقت در شصت‌ویکمین نشست عمومی خانه اندیشه وران، با موضوع «مسئله ایران و گفتمان نواندیشی دینی»، به بررسی میراث فکری دکتر داود فیرحی و دیدگاه‌های او درباره ایران پرداخت. وی با مقایسه آرای فیرحی و سیدجواد طباطبایی، بر ضرورت تدوین نظریه‌ای منسجم درباره هویت و مسئله ایران تأکید کرد. حقیقت، نسبت میان منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی، جایگاه ایرانیت در گفتمان جمهوری اسلامی و چگونگی تعامل سنت و تجدد را از مهم‌ترین چالش‌های نظری برشمرد و شناسایی ظرفیت‌های فلسفه سیاسی، تاریخ، فقه و جامعه‌شناسی را برای تبیین این مسائل ضروری دانست.متن کامل سخنان دکتر حقیقت را در ادامه می خوانید:

به یاد و خاطره دوست گرامی، مرحوم دکتر داود فیرحی، بحثی را با عنوان «مسئله ایران و گفتمان نواندیشی دینی» طرح می‌کنم. از آنجا که آن فقید سعید در متن این گفتمان حضور داشت، نخست اشاراتی به اندیشه ایشان درباره ایران خواهم داشت و سپس خلأهای موجود در گفتمان نواندیشی دینی را در این باره برمی‌شمارم تا زمینه‌ای برای پژوهش‌های آینده دوستان فراهم آید.

مساله ایران چیست؟

یکی از مسائل اساسی روزگار ما «مسئله ایران» است. باید دید حقیقت و اهمیت این مسئله چیست، مرحوم دکتر فیرحی تا چه اندازه به آن پرداخته است و چه بخش‌هایی از کار بر دوش ما باقی مانده است تا پی بگیریم. متفکری همچون دکتر سید جواد طباطبایی، ایران را یک «مسئله فرهنگی» می‌داند. اگر چنین انگاره‌ای را بپذیریم، در گام نخست باید اثبات کنیم که چرا ایران صرفاً یک مسئله فرهنگی است و در پی آن بپرسیم که آیا در کنار بُعد فرهنگی، سویه جغرافیایی نیز دارد یا خیر؟ برای نمونه، مرزهای سرزمینی که پس از پیمان وستفالی در سال هزار و ششصد و چهل و هشت میلادی شکل گرفت، از چه اعتباری برخوردار است؟ بنابراین، نخستین پرسش بنیادی این است که آیا ایران ماهیتی صرفاً فرهنگی دارد، یا حقیقتی مرکب از ابعاد فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی است؟

در همین راستا جای این پرسش هست که اگر ما در واحدی جغرافیایی و فرهنگی به نام ایران زیست می‌کنیم، چرا در نظام کنونی جمهوری اسلامی، ملاک و محور اصلی «اسلام» است نه «ایران»؟ اگر ایران را ملاک قرار دهیم، «ایرانی بودن» محوریت می‌یابد و هر کس در این واحد جغرافیایی یا فرهنگی جای بگیرد، فارغ از اینکه چه درصدی از جمعیت را مسلمانان شیعه و سنی یا غیرمسلمانان تشکیل می‌دهند، ایرانی به شمار می‌آید. بر این اساس، ممکن است پرسیده شود که اگر این واحد سرزمینی و فرهنگی اصالت دارد، چرا به جای «مجلس شورای ملی»، عنوان «مجلس شورای اسلامی» را برگزیده‌ایم؟

پرسش دیگری که پیش می‌آید، به رویکرد روشی ما در تحلیل مسئله ایران بازمی‌گردد. دکتر فیرحی عمدتاً با رویکرد تاریخی به این مقوله می‌نگریست و کمتر از دیگر رویکردها بهره می‌جست؛ حال آنکه دکتر طباطبایی بر لزوم اتخاذ رویکرد فلسفی در دفاع از ایران پای می‌فشرد. اکنون اگر از این دو منظر بگذریم، باید بپرسیم که آیا دانش فقه نیز توان ورود به این عرصه را دارد؟ فقه سیاسی، هرچند از اعتبار محدودی برخوردار است، کم‌وبیش می‌تواند به پاره‌ای از این مباحث همچون مسئله مرزها بپردازد. فراتر از این سه دانش و رویکرد، یعنی تاریخ، فلسفه و فقه، چه علوم دیگری یاری تحلیل مسئله ایران را دارند؟

هرگاه پای دانش‌های متعدد به میان آید، ناگزیر باید به سراغ یک کبرای کلی برویم تا معلوم شود نسبت میان این دانش‌ها در مقام کبرا چیست و در مقام صغرا و تطبیق بر مسئله ایران چه نتیجه‌ای به دست می‌دهد. در اینجا به نظریه‌ای از جنس متاتئوری یا نظریه درجه دوم نیازمندیم که به تبیین نسبت میان علوم بپردازد؛ نظیر «نظریه هم‌رویی» میان دانش‌ها که ابتدا کبرای کلی را تنقیح می‌کند و سپس آن را بر صغرای مسئله ایران منطبق می‌سازد. ازاین‌رو، نخستین وظیفه پژوهشی ما در آینده آن است که رویکردها و دانش‌های مرتبط با مسئله ایران را بازشناسیم و آنگاه نسبت کبروی آن علوم و نحوه تطبیق صغروی آن‌ها را بر موضوع ایران مشخص سازیم.

مسئله دیگر از اینجا سر برمی‌آورد که واحد سیاسی و سرزمینی ایران دارای منابع و ثروت‌هایی است؛ برای نمونه، سالانه حدود صد و چهل میلیارد دلار درآمد نفتی و مقداری نیز صادرات غیرنفتی دارد. از سوی دیگر، در بیرون از مرزهای ایران مردمانی حضور دارند که از ما یاری می‌طلبند و مصداق روایت نبوی «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» قرار می‌گیرند؛ خواه وَاژه «رَجُلًا» در این حَدیثْ را اعم از مسلمان و غیرمسلمان بدانیم و خواه ویژه مسلمانان. اینجا مقوله‌ای به نام «مسئولیت‌های فراملی» شکل می‌گیرد که ما را به انجام دادن اقداماتی در خارج از واحد ایران فرامی‌خواند؛ اقداماتی که گاه صبغه سیاسی و فرهنگی دارد و گاه حتی به حوزه نظامی و تسلیحاتی کشیده می‌شود.

نسبت بین مسوولیت های ملی و فرا ملی ایران چیست؟

در این نقطه، پرسش مهمی رخ می‌نماید: نسبت میان این «مسئولیت‌های فراملی» و مقوله‌ای دیگر به نام «منافع ملی» چیست؟ به‌جد عرض می‌کنم که در طول این چهل و هشت سال، هرچند در مقام عمل به شیوه‌های گوناگون در قبال مسئولیت‌های فراملی اقدام کرده‌ایم، هیچ نظریه پشتیبان و مدونی در جمهوری اسلامی برای تبیین این رابطه نداشته‌ایم؛ و جای بسی تأسف است که کنش عملی ما فاقد پشتوانه نظری است. چیستی منافع ملی، حقیقت مسئولیت‌های فراملی و نسبت میان این دو، معضلی اساسی برای امروز جمهوری اسلامی است که بار دیگر دانش‌ها و رویکردهای مختلف را به تکاپو می‌طلبد.

ایران و جمهوری اسلامی

سومین مسئله، چگونگی مواجهه با عنصر «ایرانیت» است؛ اعم از اینکه ایرانیت را در قالب باستان‌گرایی لحاظ کنیم یا مفهومی فراتر از آن در نظر بگیریم. در جمهوری اسلامی چگونه به این عنصر نگریسته شده است؟ حقیقت آن است که پس از دوره‌ای طولانی از بی‌مهری به این مفهوم، در یک سال اخیر نوعی مهرورزی و اقبال به آن پدید آمده است تا جامعه حول محور ایران گرد آید. اما باید پرسید چه نظریه‌ای از این چرخش پشتیبانی می‌کند؟ چرا سالیان دراز با آن بی‌مهری شد و اکنون رویکردی متمایل به ایران شکل گرفته است؟ به بیان دیگر، باید روشن شود که آیا ایرانیت فی‌نفسه منبعی ارزشی و هویت‌ساز به شمار می‌رود، یا صرفاً امری فرعی و اضطراری است که در نهایت گفتمان اسلام‌گرایی ناگزیر به آن تن داده‌ایم و در دلَ آرزو می‌کردیم که ای کاش هرگز گرفتارش نمی‌شدیم؟

برای نمونه، مرحوم آیت الله عمید زنجانی، رحمت خدا بر او باد، در مقام حل این معضل بر آن بود که اسلام نظریه‌ای جهانی دارد، اما برای نیل به آن باید سه گام پیاپی برداشت: نخست باید واحد موجود یعنی ایران ملی را حفظ کرد، سپس جهان اسلام را به وحدت رساند و در نهایت، حکومت جهانی را بنیان نهاد. با این حال، جای این پرسش همچنان باقی است که پشتوانه نظری این تقسیم‌بندی کجاست، از کجا به این نقطه رسیده‌ایم و در وضعیت کنونی چه باید بکنیم؟ آنچه بر پیچیدگی این معضل می‌افزاید، این است که در منابع سنتی ما مفهومی به نام «مرز» به معنای امروزی وجود ندارد و این مقوله از مسائل مستحدثه به شمار می‌آید. چنان‌که علامه طباطبایی نیز تصریح فرموده‌اند، اسلام مرز نمی‌شناسد و مکتبی جهانی است. اکنون اگر اسلام دینی جهانی و بی‌مرز است، ما که به هر تقدیر، چه از سر اضطرار و چه غیر آن، در حصار این مرزهای جغرافیایی قرار گرفته‌ایم، چگونه باید این تعارض را از منظر نظری حل کنیم؟

ایران و تجدد

در پاسخ به این پرسش‌ها، با گفتمان تجددگرایی روبه‌رو می‌شویم که خود به دو شاخه «تجددگرایی دینی» به نمایندگی کسانی چون دکتر عبدالکریم سروش و «تجددگرایی غیردینی» به نمایندگی دکتر سید جواد طباطبایی تقسیم می‌گردد. به‌اجمال باید گفت که روشنفکران دینی متأسفانه نظریه خاصی درباره ایران ندارند و این گفتمان از این حیث با خلأ روبه‌روست؛ اما در سوی دیگر، دکتر طباطبایی مدعی داشتن نظریه درباره ایران است. ازاین‌رو، برای درک درست دیدگاه مرحوم دکتر فیرحی، ناگزیریم ابتدا آرای دکتر طباطبایی را بازگو کنیم؛ زیرا بخش قابل توجهی از مباحث و مکتوبات دکتر فیرحی در نقد دیدگاه‌های او شکل گرفته است.

به باور دکتر طباطبایی، ایران یک هویت فرهنگی و مفهومی سیال در امتداد تاریخ است که نمی‌توان آن را به مرزهای جغرافیایی دقیق و ثابتی محدود ساخت یا به صراحت تعیین کرد که کدام‌یک از کشورهای همسایه کنونی را در بر می‌گیرد. وی معتقد است که با رویکردی فلسفی درباره ایران نظریه‌پردازی کرده است و برای صیانت از ایران، هم سنت و هم تجدد را باید به نقد کشید. بنابراین، دکتر طباطبایی تجددگرای مطلق نیست که تجدد را بی‌چون‌وچرا اصل بگیرد، هرچند در نهایت در شمار متفکران تجددگرا جای می‌گیرد.

یکی از مصادیق بارز تجددگرایی دکتر طباطبایی در تحلیل او از نهضت مشروطه آشکار می‌شود. وی بر این باور است که مشروطه نقطه آغاز مناسبی بود و محقق نائینی نیز این مسیر را به‌خوبی گشود، اما برای تکمیل پروژه نائینی می‌بایست گامی دیگر برداشته می‌شد که ناتمام ماند، و آن «تبدیل فقه به حقوق» بود. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که در منظومه فکری علامه نائینی، به هیچ رو سخن از کنار نهادن فقه و استحاله آن در حقوق جدید نبود؛ بلکه این آرزوی شخص دکتر طباطبایی در چارچوب پروژه تجددگرایی اوست که ای کاش فقه

بقت در خانه اندیشه‌وران

نواندیشی دینی



از صحنه کنار می‌رفت و حقوق جدید، که تجلی‌گاه تجدد است، جایگزین آن می‌شد.
این دیدگاه با نقدهای جدی مرحوم دکتر فیرحی روبه‌رو گشت و در سال‌های پایانی عمر دکتر طباطبایی، مباحثات تندی میان آن دو درگرفت. یکی از نقدهای اساسی دکتر فیرحی به دکتر طباطبایی این بود که وی برداشتی سیاست‌نامه‌ای و ایران‌شهری از تاریخ ایران دارد و وقایع و شخصیت‌های تاریخی را بر همین اساس بازتعریف می‌کند؛ برای مثال، با شخصیتی همچون خواجه نظام‌الملک طوسی که فقیهی شافعی است و باید در درونِ گفتمان فقهی تحلیل شود، برخوردی کاملاً سیاست‌نامه‌ای صورت می‌گیرد تا محوریت ایران و ایده ایران‌شهر تقویت گردد.
همان‌گونه که می‌دانیم، دکتر فیرحی نگاهی حداکثری به فقه داشت و بر آن بود که مفاهیمی چون تحزب و دموکراسی را می‌توان از دل فقه بیرون کشید؛ حال آنکه ما در «نظریه هم‌رویی»، دامنه اعتبار چنین استخراجی را بسیار محدود می‌دانیم و با وجود باور به دموکراسی، معتقد نیستیم که این مفاهیم ضرورتاً از درون فقه تراوش می‌کنند. شگفت آنکه در اواخر عمر دکتر فیرحی یا اندکی پس از درگذشت ایشان، کتابی از سوی جریانی افراطی در نقد وی منتشر شد که در آن، ایشان را به سکولاریسم متهم کرده بودند. من در همان زمان در مقام دفاع از ایشان گفتم که این چه بی‌انصافی بزرگی است! کسی که نگاهی حداکثری به فقه دارد و می‌کوشد مدرن‌ترین مفاهیم سیاسی را از دل فقه استخراج کند، چگونه ممکن است سکولار باشد؟ ای کاش دست‌کم تهمت دیگری به او می‌زدید که با مبانی فکری‌اش تناسبی می‌داشت!

رویکرد تاریخی به ایران

به هر روی، رویکرد دکتر فیرحی به مسئله ایران، رویکردی تاریخی است. از این منظر، برای بحث از موجودیتی به نام ایران و تبیین مفهوم دولت در آن، باید سیر تاریخی را از ایران باستان و متونی چون «عهد اردشیر» و «نامه تنسر» آغاز کرد و با گذر از دوران مشروطه در صد و سی سال پیش، به عصر جمهوری اسلامی رسید. دولت در مفهوم غیرمدرن خود روزگاری در قالب امپراتوری و روزگاری دیگر، همچون صدر اسلام و دولت مدینه، در قالب دولت‌شهر رخ نموده است؛ اما امروز با پدیده‌ای به نام «دولت مدرن» روبه‌رو هستیم. دغدغه اصلی دکتر فیرحی، که به‌درستی بدان پرداخته است، تبیین نسبت میان قانون و دولت و نیز رابطه حق و تکلیف در چارچوب همین دولت مدرن است.
این نکته نیز کاملاً درست است که دکتر فیرحی به «راه سوم» باور داشت؛ راهی که نه تسلیم محض در برابر سنت است و نه ذوب شدن در تجدد، بلکه بر نقد توأمان سنت و تجدد و پی‌ریزی دیدگاهی نو استوار است. در اینجا برای تقویت دیدگاه ایشان می‌توان از نظریه «مدرنیته‌های متعدد» یا «تجددهای متکثر» که نزد نظریه‌پردازان غربی مطرح است، بهره گرفت. بر پایه این مبنا، ما با یک تجدد واحد و یکپارچه روبه‌رو نیستیم تا صرفاً در پی تعیین نسبت خود با آن و گزینش بخش‌هایی از آن باشیم؛ بلکه تجددهای گوناگونی در جهان امکان تحقق دارند و هر ملتی می‌تواند تجدد ویژه خود را بنا نهد. این ایده نمونه‌های عینی و تاریخی نیز دارد؛ چنان‌که ژاپن ضمن اخذ مفاهیمی از تجدد غربی، هم آن را نقد کرد و هم سنت خویش را بدون کنار گذاشتن کامل به نقد کشید و از رهگذر ترکیب این دو، مدرنیته خاص خود را پدید آورد. چین، هند و مالزی نیز کم‌وبیش همین مسیر را پیموده‌اند؛ تا جایی که یک شهروند هندی حتی حاضر نیست لهجه و تأکیدات خاص خود را در تکلم به زبان انگلیسی تغییر دهد و آن را انگلیسیِ ویژه خود در برابر انگلیسیِ بریتانیایی و آمریکایی می‌داند.
مسئله مهم دیگر این است که برخلاف تصور مرحوم دکتر فیرحی، «مسئله ایران» مساوی با «ناسیونالیسم» نیست. ناسیونالیسم مکتبی خاص با اقتضائات ویژه خود است، در حالی که موضوع بحث ما «ایران» است و می‌توان درباره ایران نظریه‌پردازی کرد بی‌آنکه در چارچوب مکتب ناسیونالیسم جای گرفت. به باور من، در تمییز میان مسئله ایران و ناسیونالیسم، حق با دکتر طباطبایی است که یکی از مؤلفه‌های نظریه ایران‌شهری خود را تفکیک این دو مقوله از یکدیگر قرار می‌دهد؛ هرچند تفصیل این بحث مجال دیگری می‌طلبد.

ایران و نظریه دکتر طباطبایی

در نقد و بررسی آرای دکتر طباطبایی باید توجه داشت که وی دو نظریه محوری دارد: یکی «نظریه زوال اندیشه سیاسی در ایران» و دیگری «نظریه ایران‌شهری». نخستین چالش در مواجهه با منظومه فکری او، تبیین نسبت میان این دو نظریه است؛ زیرا در نگاه نخست، نوعی «ناسازه» میان آن دو به چشم می‌خورد. نظریه زوال اندیشه سیاسی از «شرایط امتناع» سخن می‌گوید؛ به این معنا که دکتر طباطبایی برخلاف میشل فوکو که از «شرایط امکان» بحث می‌کرد، مدعی است که اندیشه سیاسی در ایران به گونه‌ای دچار زوال گشته که راه برون‌رفتی برای آن متصور نیست. بنابراین، نظریه زوال رویکردی سلبی، بدبینانه و نومیدکننده دارد؛ در حالی که نظریه ایران‌شهری می‌کوشد با اخذ عناصری از سنت و تجدد، افقی ایجابی بگشاید و نظریه‌ای فلسفی درباره ایران عرضه کند. برای فهم دقیق مرام فکری دکتر طباطبایی، نخست باید این ناسازه را، که برخلاف تناقض قابل حل است، تحلیل و رفع کرد و چگونگی جمع میان این دو رویکرد را در اندیشه وی نشان داد. در مقام جمع‌بندی و برای پرهیز از اطاله کلام باید بگویم که ما نیازمند تدوین یک «نظریه» به معنای دقیق کلمه درباره ایران هستیم و به باور من، نه دیدگاه مرحوم دکتر فیرحی و نه دیدگاه دکتر طباطبایی، هیچ‌کدام به سطح یک نظریه نرسیده‌اند، بلکه در حد ایده‌ها و مباحثی ارزشمند باقی مانده‌اند که البته باید از هر دو بهره برد. اگر با غمض عین از تفاوت‌های موجود میان دو سنت فلسفه قاره‌ای و فلسفه تحلیلی در تعریف نظریه بگذریم، هر نظریه نیازمند مجموعه‌ای از گزاره‌های منسجم و مرتبط به هم است که در پی اثبات یا دست‌کم تأیید یک مدعای روشن باشند؛ بی‌آنکه از واژه اثبات، معنای پوزیتیویستی آن را اراده کنیم. چنین ساختار منسجم و مدللی نه در آثار دکتر طباطبایی یافت می‌شود و نه در مکتوبات دکتر فیرحی؛ چنان‌که اگر بپرسیم استدلال دقیق دکتر طباطبایی برای اثبات نظریه ایران‌شهری چیست، فارغ از درستی یا نادرستی اصل مدعا، با مجموعه‌ای از سخنان پراکنده روبه‌رو می‌شویم که فاقد صورت‌بندی استدلالی است.

قلمرو اعتبار فقه سیاسی محدود است

گام پایانی در این مبحث آن است که بپذیریم سخن دکتر طباطبایی مبنی بر لزوم بهره‌گیری از فلسفه سیاسی کاملاً صائب است؛ چراکه فلسفه سیاسی اصولاً بر دیگر دانش‌های این حوزه تقدم دارد. در کنار آن، چون فلسفه سیاسی خود دانشی درجه اول است، به بحثی فرادانشی و درجه دوم نیز نیازمندیم تا همچون «نظریه هم‌رویی»، نسبت میان علوم را در قالب یک قضیه کبروی تنقیح کند. همچنین به رویکرد تاریخی که محور کار دکتر فیرحی بود، و نیز به دانش فقه نیازمندیم. من در آخرین کتاب خود با عنوان «قلمرو اعتبار فقه سیاسی» نشان داده‌ام که فقه سیاسی از قلمرو اعتبار کوچکی برخوردار است؛ تعبیری که شاید در متن کتاب از سر ملاحظه به صراحت نیاورده باشم، اما در اینجا به روشنی می‌گویم که دایره اعتبار آن محدود است. با این همه، باید جایگاه دقیق فقه سیاسی و اجتماعی و نیز سهم دیگر علوم همچون جامعه‌شناسی را در تحلیل مسئله ایران مشخص ساخت. ازاین‌رو، وظیفه آینده ما این است که اولاً دانش‌های دخیل در مسئله ایران را شناسایی کنیم، ثانیاً اندیشه‌های خود را به سطح یک نظریه منسجم ارتقا دهیم و ثالثاً با تدوین یک کبرای کلی، نسبت میان دانش‌هایی چون فلسفه سیاسی و فقه سیاسی را در این عرصه معین سازیم.
در پاسخ نهایی به این پرسش که چه نسبتی میان گفتمان نواندیشی دینی و مسئله ایران برقرار است، باید گفت که در درون این گفتمان، هیچ شخصیتی به قوت و جامعیت مرحوم دکتر فیرحی به مسئله ایران نپرداخته است. با این حال، مجموعه مباحث ارزشمند ایشان تنها بخشی از مسئله را پوشش می‌دهد و از خداوند متعال توفیق می‌طلبیم که بتوانیم بخش‌های ناتمام این مسیر را پی بگیریم و به نظریه یا نظریه‌هایی راه‌گشا درباره ایران دست یابیم. امیدوارم اگر ثوابی بر این نشست علمی مترتب است، با درود و صلوات بر محمد و آل محمد، «اللّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، نثار روح مرحوم دکتر فیرحی گردد.

جایگاه راهبردی گلستان در تامین مرغ کشور

گلستان با تولید سالانه حدود ۳۶۵ هزار تن گوشت مرغ و سهم ۱۱.۵ درصدی از تولید ملی، به‌عنوان دومین قطب تولید این محصول در کشور، ظرفیت مهمی برای تامین پایدار امنیت غذایی و تنظیم بازار مصرف در استان‌های مختلف دارد که این ظرفیت با رفع موانع و چالش‌هایی مانند تامین نهاده، سرمایه در گردش و انرژی و حمایت از حلقه‌های مختلف زنجیره تولید و مصرف می‌تواند زمینه‌ساز رونق بیشتر صنعت طیور و دسترسی پایدار خانوارها به این کالای پروتئینی باشد.به گزارش ایرنا، استان گلستان با برخورداری از هزار و ۳۳ واحد پرورش مرغ گوشتی، ۷۴ واحد مرغ مادر و ۳۹ واحد مرغ تخم‌گذار ظرفیت جوجه‌ریزی حدود ۴۲ میلیون قطعه در هر دوره را دارد و روزانه ۷۰۰ تا ۹۰۰ تن گوشت مرغ تولید می‌کند و با تولید روزانه حدود ۱۵۰ تن تخم‌مرغ نزدیک به هشت درصد تولید این محصول در کشور را به خود اختصاص داده است.با وجود این جایگاه، آمار بالای تولید به معنای برخورداری فعالان این صنعت از حاشیه سود مطمئن یا دسترسی مصرف‌کنندگان به مرغ با قیمت مناسب نیست. افزایش هزینه‌های خوراک، دارو، تجهیزات و انرژی، وابستگی به واردات بخشی از نهاده‌ها و محدودیت منابع مالی هزینه تمام‌شده تولید را افزایش داده و در سوی دیگر، افت قدرت خرید خانوارها تقاضای بازار را تحت تاثیر قرار داده است.در چنین شرایطی صنعت مرغداری گلستان با مساله‌ای فراتر از افزایش یا کاهش مقطعی تولید مواجه است که هم پایداری فعالیت مرغداران و هم توان خرید خانوارها را در بر می‌گیرد و نشان می‌دهد مدیریت این زنجیره به تصمیم‌های هماهنگ در حوزه تامین نهاده، سیاست‌های ارزی، تامین مالی، انرژی، صادرات و تنظیم بازار نیاز دارد.

نوسان ارز و نهاده نخستین گره تولید

مدیرعامل زنجیره یکپارچه طیور در استان گلستان نوسان نرخ ارز و افزایش قیمت کالاهای وارداتی را از مهم‌ترین عوامل بی‌ثباتی در صنعت طیور دانست و اظهار کرد: قیمت هر تن ذرت وارداتی از روسیه که در مقاطعی ۲۴۲ دلار بود ابتدا به ۲۷۰ و سپس ۲۸۵ دلار رسید و اکنون حدود ۳۱۰ دلار است. هم‌زمان نرخ ارز مورد استفاده برای تامین نهاده نیز از حدود ۱۵۲ هزار تومان به ۱۶۸ هزار تومان و در ادامه به بیش از ۱۸۰ هزار تومان افزایش یافته است.حمید سلیمانی با اشاره به تاثیر مستقیم این تغییرات بر برنامه‌ریزی واحدهای تولیدی افزود: تولیدکننده برای ادامه فعالیت به ثبات و قابلیت پیش‌بینی نیاز دارد. اگر قرار است زنجیره‌های تولید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشند باید سازوکاری برای تامین ارز با نرخ مشخص و قابل اتکا در دوره‌های یک تا سه‌ساله تعریف شود تا پس از ثبت سفارش، ارز در زمان مناسب در اختیار واردکننده قرار گیرد و تولیدکننده ناچار نباشد هر بار با نرخ و شرایط متفاوتی برای تامین مواد اولیه روبه‌رو شود.سلیمانی ادامه داد: وابستگی صنعت طیور تنها به واردات ذرت و سویا محدود نیست و بخش مهمی از نیازهای این صنعت در حوزه ژنتیک، گله‌های اجداد و مادر نیز از خارج تامین می‌شود که هرگونه اختلال در تجارت خارجی و تامین ارز می‌تواند بخش‌های مختلف زنجیره تولید را تحت تاثیر قرار دهد. مدیرعامل زنجیره یکپارچه طیور در گلستان یکی دیگر از چالش‌های جدی صنعت طیور را کمبود سرمایه در گردش عنوان کرد و افزود: برای اداره یک واحد مرغ مادر با ظرفیت ۵۰ هزار قطعه دست‌کم ۲۰۰ میلیارد تومان سرمایه در گردش برای تامین جوجه و هزینه‌های جاری مورد نیاز است که این رقم نشان می‌دهد فعالیت در صنعت طیور به منابع مالی قابل توجهی نیاز دارد و تامین نشدن به‌موقع آن می‌تواند روند تولید را مختل کند.وی با اشاره به وضعیت مالی مجموعه تحت مدیریت خود تصریح کرد: گردش مالی شرکت ما در سال گذشته حدود چهار هزار و ۵۰۰ تا پنج هزار میلیارد تومان بود و بر اساس محاسبات، امکان تامین مالی در حدود ۷۰ درصد این گردش مالی یعنی نزدیک به سه هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان وجود داشت اما منابع و تسهیلاتی که عملا در اختیار مجموعه قرار گرفت حدود ۵۰۰ تا ۵۵۰ میلیارد تومان بود که بخش عمده آن نیز صرف سرمایه در گردش شد و دارایی‌های ثابت از محل سرمایه سهامداران تامین شده است.سلیمانی با بیان اینکه شرکت در بورس حضور دارد، ادامه داد: هزینه استفاده از برخی ابزارهای تامین مالی و تسهیلات بانکی بالا است و منابع مالی باید متناسب با ظرفیت واحدها و دوره پرورش در اختیار تولیدکننده قرار گیرد. سرمایه در گردش در صنعت طیور موضوعی حیاتی است و تولیدکننده نمی‌تواند برای تامین خوراک و هزینه‌های جاری دوره پرورش منتظر بماند.مدیرعامل زنجیره یکپارچه طیور جهان‌نما با اشاره به تجربه زیان تولید در برخی مقاطع گفت: در دوره‌هایی هزینه تولید هر کیلوگرم مرغ زنده به ۲۲۰ تا ۲۴۰ هزار تومان رسید در حالی که محصول با قیمت ۱۶۰ تا ۱۷۰ هزار تومان به فروش می‌رفت. طبیعی است که در چنین شرایطی تولیدکننده با زیان سنگینی روبه‌رو شود و ادامه فعالیت برای او دشوار خواهد بود.



کاهش قدرت خرید حلقه دیگر بحران بازار مرغ

وی کاهش قدرت خرید مردم را عامل دیگری در فشار بر بازار مرغ دانست و تاکید کرد: سرانه مصرف مرغ که در گذشته بیش از ۳۲ کیلوگرم بود اکنون به کمتر از ۲۵ کیلوگرم رسیده و در برخی برآوردها حدود ۲۳ تا ۲۴ کیلوگرم اعلام می‌شود. وقتی توان خرید خانوار کاهش پیدا می‌کند تقاضا برای محصولات پروتئینی نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرد و ممکن است بخشی از تولید در بازار با مشکل فروش مواجه شود.به گفته وی؛ تولیدکننده بر اساس برنامه‌ریزی و پیش‌بینی بازار اقدام به جوجه‌ریزی می‌کند اما اگر قدرت خرید مردم و تقاضای بازار مطابق انتظار نباشد تعادل میان تولید و مصرف برهم می‌خورد.وی صادرات را یکی از راهکارهای حفظ تعادل بازار و پشتیبانی از تولیدکننده دانست و توضیح داد: ظرفیت صادراتی مجموعه ما در صورت نبود محدودیت‌های ناگهانی حدود ۵۰۰ تا هزار تن در ماه است با این حال استمرار صادرات و ثبات مقررات از اهمیت زیادی برخوردار است.سلیمانی با اشاره به تجربه صادرات به عراق افزود: وقتی تولیدکننده برای حضور در بازار خارجی برنامه‌ریزی می‌کند و مشتری خارجی به تامین مستمر محصول از ایران اعتماد می‌کند ممنوعیت ناگهانی صادرات یا تغییر مکرر تصمیم‌ها می‌تواند این ارتباط را از بین ببرد. در چنین شرایطی مشتری به سراغ تامین‌کننده دیگری می‌رود و بازگرداندن اعتماد بازار خارجی کار ساده‌ای نیست.مدیرعامل زنجیره یکپارچه طیور در گلستان با اشاره به رقابت صادرکنندگان ایرانی با کشورهایی مانند ترکیه، برزیل و چین گفت: در برخی معاملات قیمت صادراتی هر کیلوگرم مرغ به حدود ۲ دلار می‌رسد اما هزینه تولید، حمل‌ونقل و محدودیت‌های صادراتی بر توان رقابت اثر می‌گذارد لذا برای حضور پایدار در بازارهای منطقه‌ای باید علاوه بر کیفیت، هزینه تمام‌شده و ثبات سیاست‌های صادراتی نیز مورد توجه قرار گیرد.وی در ادامه کیفیت محصول را نتیجه نظارت بر تمام مراحل زنجیره تولید دانست و یادآور شد: کیفیت از جوجه یک‌روزه آغاز می‌شود و تا خوراک، فرمولاسیون، بهداشت، واکسیناسیون، دارو، کشتار، بسته‌بندی و نگهداری ادامه دارد. نمی‌توان کیفیت محصول نهایی را تنها به مرحله کشتارگاه محدود کرد. مدیرعامل زنجیره یکپارچه طیور در گلستان درباره تفاوت قیمت مرغ در گلستان و تهران نیز خاطرنشان کرد: اختلاف قیمت در دو بازار لزوما به معنای گران‌فروشی نیست و عواملی مانند شیوه خرید، پرداخت نقدی یا مدت‌دار، میزان عرضه و تقاضا و نقش واسطه‌ها در آن تاثیر دارد. وی با اشاره به حجم انتقال مرغ از گلستان به پایتخت گفت: روزانه حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ تن مرغ از استان به تهران ارسال می‌شود و این حجم نشان‌دهنده نقش گلستان در تامین بازار مصرف پایتخت است.

نوسان قیمت در بازار مرغ گلستان

معاون توسعه بازرگانی سازمان جهاد کشاورزی گلستان نیز با تشریح وضعیت تولید و بازار مرغ استان اظهار کرد: روزانه دست‌کم ۸۰۰ تن و در برخی روزها تا ۹۰۰ تن گوشت مرغ در گلستان تولید می‌شود که علاوه بر تامین نیاز استان بخشی از نیاز سایر مناطق کشور را نیز پوشش می‌دهد. حیدرعلی رستمانی با اشاره به نوسان قیمت مرغ در بازار گفت: در مقطعی قیمت هر کیلوگرم مرغ زنده به حدود ۱۵۰ تا ۱۷۰ هزار تومان رسید و قیمت مصرف‌کننده نیز در محدوده ۲۳۰ تا ۲۶۰ هزار تومان قرار داشت که این وضعیت به زیان تولیدکنندگان تمام شد و اگر این روند به‌صورت مستمر ادامه پیدا می‌کرد در دوره بعدی جوجه‌ریزی اختلال ایجاد می‌شد و ممکن بود در دوره‌های بعدی به‌راحتی به میزان موردنیاز مرغ دسترسی نداشته باشیم یا این محصول با قیمت بسیار بالاتری به دست مصرف‌کننده برسد. رستمانی با بیان اینکه طی چند روز اخیر به دلایل مختلف و با توجه به شرایط بازار و برخی مشکلات فنی تولیدکنندگان، قیمت مرغ تا حدودی افزایش یافته است، افزود: تفاوت قیمت در مناطق مختلف به شرایط عرضه و تقاضا و وضعیت بازار بستگی دارد و نمی‌توان قیمت یکسانی را برای همه شهرستان‌ها در نظر گرفت. معاون توسعه بازرگانی سازمان جهاد کشاورزی گلستان درباره روند جوجه‌ریزی نیز بیان کرد: میزان جوجه‌ریزی استان در مقطعی از حدود ۱۶ میلیون قطعه به نزدیک ۱۰ میلیون قطعه کاهش یافت اما پس از آن دوباره روند افزایشی پیدا کرد و به بیش از ۱۴ تا ۱۵ میلیون قطعه رسید. در ماه گذشته حدود ۱۳ میلیون قطعه جوجه‌ریزی و در ۱۰ رور نخست آبان ماه نیز چهار میلیون و ۲۰۰ هزار قطعه جوجه‌ریزی در استان انجام شد. وی با اشاره به نشست‌های برگزارشده برای بررسی قیمت مرغ در سطح ملی گفت: در نشست با وزارت جهاد کشاورزی، قیمت ۳۷۲ هزار تومان به‌عنوان نرخ پیشنهادی مصرف‌کننده مطرح شد اما در همان مقطع قیمت مرغ زنده حدود ۲۵۰ هزار تومان بود. رستمانی با بیان اینکه ما معتقدیم باید شرایط و مشکلات تولیدکننده و مصرف‌کننده مرغ شنیده و بررسی شود، تاکید کرد: هر ۲ بخش در زنجیره تولید و عرضه مرغ اهمیت دارند.به گفته معاون توسعه بازرگانی سازمان جهاد کشاورزی گلستان؛ صنعت مرغداری یکی از صنایع مهم کشور و از بخش‌های اثرگذار در اقتصاد و اشتغال استان گلستان است که فعالیت آن موجب ایجاد اشتغال گسترده در بخش‌های مختلف شده و چرخ اقتصادی استان را به حرکت آورد و با این ظرفیت، اگر تولیدکنندگان و مرغداران نتوانند به فعالیت خود ادامه دهند بدون تردید بخش مهمی از این ظرفیت اقتصادی و اشتغال استان با مشکل مواجه خواهد شد.

نگرانی مرغداران از تامین سوخت در فصل سرد

وی در پاسخ به نگرانی مرغداران درباره تامین سوخت در ماه‌های آبان و آذر تاکید کرد: افزایش قیمت سوخت قطعی نیست و در این زمینه نشست‌هایی با حضور استاندار، سازمان جهاد کشاورزی و دستگاه‌های نظارتی و امنیتی برگزار شده است. همچنین کارشناسان از واحدهای مرغداری بازدید کرده و به تولیدکنندگان توصیه شده برای تامین سوخت جایگزین ذخیره‌سازی لازم را انجام دهند. رستمانی ادامه داد: بر اساس گزارش‌هایی که از واحدهای مرغداری دریافت شده، وضعیت ذخایر سوخت مطلوب است و ذخیره‌سازی نیز همچنان ادامه دارد. موضوع تامین سوخت واحدهای تولیدی در دستور کار دستگاه‌های مرتبط قرار دارد. معاون توسعه بازرگانی سازمان جهاد کشاورزی گلستان درباره صادرات مرغ نیز توضیح داد: حدود ۵۰۰ تن مرغ از استان به کشورهای همسایه صادر شده و اتحادیه مرغداران درخواست صدور مجوز صادرات پنج هزار تن دیگر را ارائه کرده است با این حال سهمیه صادراتی استان‌ها هنوز مشخص نشده و درخواست‌ها باید در معاونت امور تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی بررسی و با سازمان دامپزشکی هماهنگ شود. رستمانی افزود: حدود یک تا ۲ ماه پیش صادرات مرغ کشور با هدف تنظیم بازار و حمایت از تولیدکنندگان آزاد شد اما تعیین سهمیه و طی مراحل اداری و تخصصی آن همچنان در دستور کار قرار دارد. وی با اشاره به تشکیل کارگروه توسعه تجارت خارجی در وزارت جهاد کشاورزی گفت: این کارگروه به دستور وزیر جهاد کشاورزی حدود یک ماه پیش تشکیل شد و در گلستان نیز با ریاست رییس سازمان جهاد کشاورزی و دبیری معاونت توسعه بازرگانی فعالیت می‌کند و هدف از تشکیل آن، رسیدگی به مسائل و موانع واردات و صادرات و کاهش نیاز فعالان اقتصادی به مراجعه مستقیم به تهران است. معاون توسعه بازرگانی سازمان جهاد کشاورزی گلستان با اشاره به جایگاه استان در تامین بازار تهران تصریح کرد: روزانه حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ تن مرغ از گلستان به تهران ارسال می‌شود که بخشی از آن به میدان بهمن می‌رود. وی با بیان اینکه گلستان حدود هزار واحد مرغداری دارد، افزود: نزدیک به ۹۰۰ واحد از این تعداد فعال هستند و ظرفیت تولید استان با اتکا به همین واحدها و استمرار جوجه‌ریزی حفظ شده است.

تشکیل ۱۵۸ پرونده تخلف در حوزه مرغ و تخم‌مرغ

رستمانی با تاکید بر استمرار نظارت بر بازار محصولات پروتئینی گفت: از ابتدای امسال تاکنون ۱۵۸ پرونده تخلف در حوزه مرغ و تخم‌مرغ از جمله در بخش مرغداری‌ها، کشتارگاه‌ها و واحدهای خرده‌فروشی تشکیل و برای رسیدگی به تعزیرات حکومتی معرفی شده است. وی ارزش این پرونده‌ها را ۱۸۶ میلیارد تومان اعلام کرد و افزود: بازرسان سازمان جهاد کشاورزی به صورت مستمر بازار را رصد می‌کنند و در این زمینه، مجموعه‌هایی از جمله اداره کل صنعت، معدن و تجارت، پلیس امنیت و تعزیرات حکومتی نیز همکاری دارند. حفظ جایگاه گلستان به‌عنوان دومین قطب تولید گوشت مرغ کشور بیش از آنکه به افزایش ظرفیت جوجه‌ریزی وابسته باشد به پایداری اقتصادی واحدهای تولیدی و مدیریت هزینه‌های زنجیره تامین نیاز دارد. مرغدار برای ادامه فعالیت به نهاده با قیمت قابل پیش‌بینی، سرمایه در گردش کافی، تامین پایدار انرژی و امکان دسترسی به بازارهای صادراتی نیاز دارد و بی‌ثباتی در هر یک از این بخش‌ها می‌تواند برنامه تولید را با اختلال روبه‌رو کند.در سوی دیگر حمایت از تولید بدون توجه به توان خرید مصرف‌کننده نیز نمی‌تواند تعادل بازار را تضمین کند. افزایش قیمت مرغ در شرایط کاهش قدرت خرید خانوارها ممکن است تقاضا را محدود کند و در نهایت زیان آن به تولیدکننده‌ای برسد که هزینه‌های سنگین تولید را متحمل شده از این رو تنظیم بازار مرغ باید همزمان منافع تولیدکننده و مصرف‌کننده را در نظر بگیرد و میان قیمت تمام‌شده تولید و توان خرید مردم تناسب ایجاد کند. گلستان با تولید روزانه صدها تن گوشت مرغ ظرفیت مهمی در امنیت غذایی کشور دارد که حفظ آن مستلزم تصمیم‌های هماهنگ و پایدار در حوزه تامین نهاده، ارز، تسهیلات، انرژی و صادرات است. تداوم این جایگاه زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که تولید برای مرغدار صرفه اقتصادی داشته باشد و مرغ نیز همچنان در سبد مصرف خانوارها باقی بماند.

تکلیف مردم و منابع در مالیات



بهرام جرجانی

پرداخت مالیات، یک تکلیف قانونی است؛ اما مدیریت شفاف و پاسخگوی منابع عمومی نیز از الزامات اداره صحیح کشور و از مبانی اعتماد عمومی به نظام مالیاتی محسوب می‌شود. شهروندان و فعالان اقتصادی در چارچوب قوانین، سهم خود را در تأمین هزینه‌های عمومی می‌پردازند و انتظار دارند این منابع، در کنار سایر درآمدهای عمومی، به شکل کارآمد و عادلانه در مسیر تأمین نیازهای جامعه و توسعه کشور به کار گرفته شود. این انتظار در استان‌هایی مانند گلستان، که همچنان با کمبودها و عقب‌ماندگی‌های زیرساختی در بخش‌هایی از راه، آب، بهداشت، آموزش و امکانات عمومی مواجه‌اند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. موضوع این یادداشت، مطالبه بازگشت تمام مالیات وصول‌شده به محل پرداخت آن نیست؛ چنین برداشتی با ساختار بودجه عمومی کشور انطباق ندارد. مسئله اصلی، ضرورت شفافیت در تعیین درآمدهای مالیاتی، تناسب تکالیف درآمدی با ظرفیت اقتصادی استان، نحوه تخصیص اعتبارات و میزان اثربخشی منابع عمومی در رفع نیازهای واقعی مردم است. نگاهی به آمارهای رسمی منتشرشده از سوی مسئولان استان، ضرورت این بررسی را روشن‌تر می‌کند. بر اساس اعلام مدیرکل امور مالیاتی گلستان، درآمد مالیاتی پیش‌بینی‌شده استان در سال ۱۴۰۳ حدود ٤ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان بود که تا ۱۹ اسفندماه همان سال، حدود ٤ هزار و ٦۰۰ میلیارد تومان آن وصول شد؛ رقمی که از تحقق حدود ۹۵ درصدی برنامه وصول حکایت داشت. در سال ۱۴۰٤ نیز بیش از ۵ هزار و ٦۹۰ میلیارد تومان درآمد مالیاتی در استان وصول شد. این ارقام نشان می‌دهد مالیات یکی از منابع مهم تأمین درآمدهای عمومی در گلستان است؛ اما پرسش اساسی اینجاست که این ظرفیت درآمدی، در کنار سایر منابع بودجه‌ای، چه نسبتی با اعتبارات توسعه‌ای و نیازهای زیرساختی استان دارد؟

یکی از مهم‌ترین داده‌ها برای بررسی این موضوع، گزارشی است که رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گلستان در ۲۰ آبان ۱۴۰۵ ارائه کرده است. بر اساس این گزارش، از مجموع ۱۰ هزار و ۸٦۷ میلیارد تومان درآمد مصوب استان در جدول ۱۰ جیم قانون بودجه، تا زمان ارائه گزارش ۵ هزار و ٦٤۸ میلیارد تومان وصول شده بود؛ یعنی حدود ۵۲ درصد تحقق درآمدهای پیش‌بینی‌شده. در بخش اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیز از مجموع ۵ هزار و ٦۷٤ میلیارد تومان اعتبار پیش‌بینی‌شده در ردیف‌های مربوط، ۹۷۵ میلیارد تومان به استان ابلاغ شده بود و میزان تخصیص حدود ۱۸ درصد اعلام شد. این ارقام به‌تنهایی اثبات‌کننده وجود بی‌عدالتی در توزیع منابع نیستند؛ زیرا درآمدهای عمومی و اعتبارات عمرانی دو سرفصل متفاوت بودجه‌ای هستند و زمان وصول، ابلاغ و تخصیص آنها نیز یکسان نیست. با این حال، کنار هم قرار گرفتن این داده‌ها ضرورت پاسخگویی درباره فاصله میان درامدهای پیش‌بینی‌شده، اعتبارات مصوب و منابعی را که عملاً به اجرای پروژه‌های توسعه‌ای می‌رسند، برجسته می‌کند. در این میان، وضعیت عوارض ارزش افزوده نیز قابل توجه است. طبق اعلام مسئولان استان، واریزی به شهرداری‌های گلستان از محل عوارض و منابع قانونی مرتبط، از حدود یک‌هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ به ۳ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰٤ رسیده است. پرداختی به دهیاری‌ها نیز از حدود یک‌هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان به ۲ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. این ارقام نشان می‌دهد بخشی از منابع مالیاتی و عوارض عمومی به مدیریت شهری و روستایی اختصاص می‌یابد؛ بنابراین ارزیابی عملکرد این منابع نیز باید در کنار بررسی اعتبارات عمرانی استان مورد توجه قرار گیرد. پرسش این است که این مبالغ در کدام پروژه‌ها هزینه شده‌اند و چه میزان از آثار آنها در بهبود خدمات و زیرساخت‌های شهری و روستایی قابل مشاهده است؟

ظرفیت دیگری که می‌تواند در این زمینه مورد توجه قرار گیرد، طرح نشان‌دار کردن مالیات است. بر اساس گزارش منتشرشده، در سال گذشته ۲۳ پروژه در استان برای این طرح انتخاب شد که از محل مشارکت مؤدیان، ۱٤۲ میلیارد تومان اعتبار به آنها اختصاص یافت؛ در حالی که مجموع اعتبار مورد نیاز این پروژه‌ها حدود ٤٦۰ میلیارد تومان اعلام شده بود. این طرح، از منظر مشارکت مردم در تعیین محل مصرف بخشی از مالیات‌های پرداختی، ظرفیت ارزشمندی دارد؛ اما میزان پیشرفت، نحوه تخصیص منابع و زمان بهره‌برداری از پروژه‌های انتخاب‌شده نیز باید به‌صورت شفاف اطلاع‌رسانی شود. از منظر حقوق عمومی، اصول ۵۱، ۵۳ و ۵۵ قانون اساسی به‌ترتیب بر قانونی بودن مالیات، تمرکز دریافت‌های دولت در خزانه و نظارت بر مصرف قانونی اعتبارات تأکید دارند. همچنین ماده ۳۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱٤۰۰، سازوکار مشخصی برای توزیع بخشی از عوارض میان شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و مناطق مشمول تعیین کرده است. بنابراین مطالبه شفافیت درباره منابع عمومی، خواسته‌ای خارج از چارچوب قانونی نیست؛ بلکه در راستای اصول حاکم بر نظام مالی و پاسخگویی عمومی قرار دارد. در این شرایط، چند پرسش مشخص نیازمند پاسخ مسئولان اقتصادی و اجرایی استان است:

نخست؛ مبنای تعیین سهم درآمدهای مالیاتی گلستان در بودجه‌های سنواتی چیست و آیا ظرفیت واقعی اقتصادی، میزان تولید، توان پرداخت مؤدیان و شرایط اقتصادی استان در تعیین این ارقام به اندازه کافی لحاظ می‌شود؟

دوم؛ از مجموع درآمدهای وصول‌شده استان، چه میزان در قالب اعتبارات عمومی و عمرانی، از طریق سازوکارهای قانونی بودجه، به توسعه زیرساخت‌های استان اختصاص یافته و چه میزان از این اعتبارات عملاً تخصیص و پرداخت شده است؟

سوم؛ چه عواملی موجب فاصله میان اعتبارات مصوب عمرانی و منابعی می‌شود که در عمل به استان ابلاغ و تخصیص می‌یابد و برنامه مشخص مسئولان برای کاهش این فاصله چیست؟

چهارم؛ منابع حاصل از عوارض ارزش افزوده چگونه میان شهرستان‌ها، شهرداری‌ها و دهیاری‌های استان توزیع می‌شود و آیا اطلاعات مربوط به میزان دریافتی و محل هزینه‌کرد این منابع به تفکیک مناطق در دسترس عموم قرار دارد؟

پنجم؛ از پروژه‌های انتخاب‌شده در طرح نشان‌دار کردن مالیات، چه تعداد به مرحله اجرا و بهره‌برداری رسیده‌اند و چه سازوکاری برای اطلاع مؤدیان از سرنوشت مالیاتی که برای پروژه‌های مشخص انتخاب کرده‌اند، وجود دارد؟

البته نباید از یک واقعیت مهم غافل شد؛ گلستان برای عبور از عقب‌ماندگی‌های زیرساختی خود، صرفاً به افزایش منابع مالی نیاز ندارد، بلکه به نظام اولویت‌بندی شفاف، تخصیص به‌موقع اعتبارات، نظارت مؤثر و مدیریت صحیح منابع نیز نیازمند است.

افزایش درآمدهای مالیاتی زمانی می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی منجر شود که در کنار آن، پاسخگویی درباره نحوه مدیریت منابع و نتایج حاصل از هزینه‌کرد آنها نیز تقویت شود. از این منظر، انتظار می‌رود استانداری گلستان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان و اداره کل امور مالیاتی با ارائه گزارشی شفاف و قابل ارزیابی، تصویر روشنی از وضعیت وصول درآمدها، اعتبارات تخصیصی و نتایج هزینه‌کرد منابع عمومی در استان ارائه کنند. توسعه، صرفاً با اعلام میزان درآمدها سنجیده نمی‌شود؛ معیار واقعی آن، میزان اثری است که این منابع در زندگی مردم، کیفیت خدمات عمومی و رفع محرومیت‌های منطقه‌ای بر جای می‌گذارند. پرداخت مالیات، تکلیف قانونی مردم است؛ شفافیت، نظارت و پاسخگویی درباره مدیریت منابع عمومی نیز لازمه اعتماد و عدالت است.

کارشناس حقوق

تاکید استاندار بر تامین ذخایر سوخت مراکز حیاتی

استاندار گلستان از دستگاه‌های خدمات‌رسان خواست ذخایر سوخت مورد نیاز مراکز حیاتی به‌ویژه بیمارستان‌ها را تامین کنند و پایش مستمر زیرساخت‌های انرژی را در دستور کار قرار دهند. به گزارش روابط عمومی، علی‌اصغر طهماسبی در نشست کارگروه مدیریت بهینه انرژی گلستان، صرفه‌جویی در مصرف انرژی را مسوولیتی ملی برای عبور از فصل سرد دانست و اظهارکرد: عبور موفق از فصل سرد سال نیازمند همکاری همه دستگاه‌ها، بخش‌های تولیدی، رسانه‌ها و شهروندان است.وی با تاکید بر ضرورت مدیریت مصرف انرژی و مشارکت عمومی در صرفه‌جویی، گفت: تمام هشدارها، الزامات و برنامه‌های مرتبط با صرفه‌جویی در مصرف برق، آب و گاز در نشست‌های تخصصی، شورای هماهنگی و سایر مجامع مرتبط مطرح شده اما همچنان یکی از چالش‌های اصلی کشور، مصرف بالای انرژی در بخش‌های مختلف است.استاندار گلستان با اشاره به شرایط کشور و آثار اقدامات دشمن در آسیب رساندن به زیرساخت‌های انرژی، تصریح کرد: با تلاش دولت، وزارت نفت و شرکت ملی گاز، بخشی از مشکلات برطرف شده اما همچنان ضرورت مدیریت مصرف در همه بخش‌ها وجود دارد.طهماسبی فرهنگ‌سازی را مهم‌ترین راهکار کاهش مصرف انرژی دانست و گفت: رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، روحانیون، دانشگاه‌ها و مدارس باید بیش از گذشته در ترویج فرهنگ صرفه‌جویی نقش‌آفرینی کنند.وی با تاکید بر رعایت الگوی مصرف در منازل، ادارات و مراکز عمومی، افزود: کاهش حتی چند درجه‌ای دمای محیط‌های داخلی و رعایت اصول مصرف بهینه می‌تواند نقش موثری در حفظ پایداری شبکه انرژی داشته باشد.استاندار گلستان ضمن درخواست از فرمانداران، بخشداران و دهیاران برای نظارت بیشتری بر روند تامین سوخت و خدمات‌رسانی، بیان کرد: سوخت مورد نیاز شهروندان به‌ویژه در مناطق روستایی باید بدون وقفه و با حفظ کرامت مردم تأمین شود.طهماسبی با اشاره به عملکرد برخی واحدهای صنفی از جمله نانوایی‌ها در شرایط بحرانی، گفت: واحدهایی که در مواقع حساس از انجام مسوولیت اجتماعی خود سر باز می‌زنند باید مورد بازنگری و برخورد قانونی قرار گیرند و نباید اجازه داد مردم در شرایط دشوار با کمبود خدمات مواجه شوند.وی توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را از اولویت‌های دولت چهاردهم برشمرد و گفت: استفاده از انرژی خورشیدی در مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات و بخش‌های مختلف اقتصادی با هدف کمک به مدیریت مصرف انرژی باید با جدیت بیشتری دنبال شود.وی با مهم شمردن مدیریت مصارف غیرضروری انرژی، اظهار کرد: استفاده از تجهیزات گرمایشی پرمصرف در فضاهای باز باید کنترل و مدیریت شود و در صورت تداوم تخلفات، برخوردهای لازم صورت گیرد.استاندار گلستان همچنین بر نوسازی تجهیزات گرمایشی، اصلاح زیرساخت‌ها، بازسازی موتورخانه‌ها و اجرای اصول پدافند غیرعامل تاکید کرد و افزود: بسیاری از مشکلات کنونی با برنامه‌ریزی بلندمدت و رعایت الزامات فنی قابل پیشگیری است.طهماسبی گلستان بر مقابله با سوءاستفاده‌های احتمالی در حوزه حمل‌ونقل سوخت تاکید کرد و گفت: در شرایط حساس کنونی هرگونه سوءاستفاده از نیاز مردم باید با قاطعیت مورد برخورد قرار گیرد.



گلشن مهر

اجتماعی. فرهنگی. سیاسی. اقتصادی. ورزشی
Email:golshanemehr۱@yahoo.com

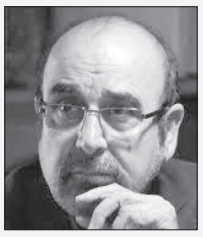
» صاحب امتیاز: احسان مکتبی
maktabi.ehsan۴۸@gmail.com

» مدیرمسوول: مریم قرآنی
» سردبیر: محمد جواد مکتبی
» نشانی: گرگان ـ خیابان امام خمینی ـ پاساژ قدس ـ طبقه سوم
تلفکس: ۳۲۲۴۱۱۹۵ تلفن: ۳۲۲۴۴۳۰۲ ـ ۳۲۲۵۱۳۱۶ـ۰۱۷
» چاپ: افست گلشن مهر

سه شنبه ۲۶ آبان ماه ۱۴۰۵/ سال بیست و هشتم/ شماره ۳۲۹۵

نقد داستان

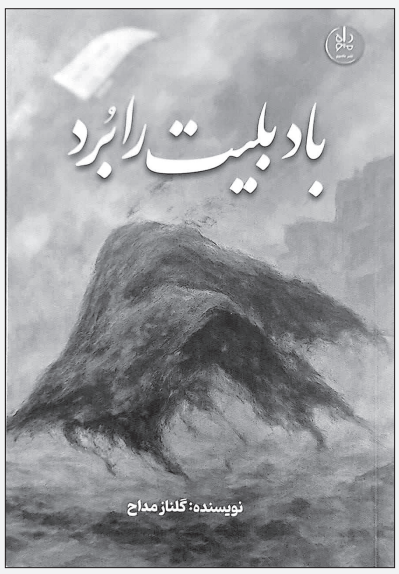
باد بلیت را برد



ابراهیم حسن بیگی

اشاره:
گلناز مداح داستان نویس با استعدادی است، بدون تلاش برای مطرح و مشهور شدن، فقط به نوشتن فکر می کند و می نویسد. نوشتن برای او سیر و سفر در دنیای تخیل و رسیدن به آرامش است. یعنی بخش مهم و اصلی خلاقیت در هنر، آرامش روحی و روانی نویسنده است سپس خوانده شدن اثر توسط مخاطب.

کتاب باد بلیت را برد، اولین مجموعه داستان های کوتاه اوست که یکی از داستان ها که نظر مرا جلب کرد، همین داستان باد بلیت را برد است که عنوان اصلی کتاب را هم یدک می کشد. داستانی کوتاه، خوش فرم با نثری روان و تصویری از هشت سال دفاع مقدس، آن هم کیلومترها دورتر از خط مقدم جبهه ها. حیفم آمد برای این داستان یادداشت کوتاهی ننویسم..
نقد داستان باد بلیت را برد از مجموعه داستانی به همین نام، باد بلیت را برد، نویسنده گلناز مداح .
داستان،داستان ضد جنگ است: جنگ ایران وعراق.
سرگذشت دانشجوهای دختر، دور از دیار خود که عملا با مصائب و مشکلات جنگ دست و پنجه نرم می کنند .به نظر می رسد که نویسنده توانسته از تجربه زیسته ی خود، حضور در مناطق جنگی، بهره کافی ببرد و در نتیجه منجرشود به عمق دادن ولایه بندی پیرنگ وخلق این اثر.
نویسنده ی داستان توانسته است با استفاده از فضاسازی عالی از خوابگاه دانشجویی در ارومیه و لحظه بمباران ،پرداخت جزییات موثر، دیالوگ ها وکشمکش وشخصیت پردازی به خصوص شخصیت اصلی نرگس، خواننده را مجذوب و مجبور کند با داستان ارتباط بگیرد و درگیر لحظه به لحظه ی آن شود و تا پایان داستان، سطر به سطر آن را دنبال کند. و این امر به علت تعلیق قوی وطبیعی جذاب داستان است .
نکته ی حائز اهمیت دیگر داستان: برجسته کردن شخصیت های فرعی ست که در این حوادث به نحوی خاص معرفی شده اند .
به نظرم نویسنده می توانست دانشجوها را سوار اتوبوس کند و راهی دیار خود سنندج نماید و آنها در بین راه براثر بمباران کشته شوند. اما این کار را نکرده بلکه توانسته یک پایان بندی قوی و بسیار زیبا و غیر منتظره را رقم بزند و پایانی تاثیر گذار ماندگار را خلق کند. و آن موضوع خرید بلیت است از ارومیه به سنندج. بلیت چهار بعد از ظهر است. با آن بلیت نرگس باید می رفت به شهر خود که در ترمینال مورد اصابت ترکش قرار می گیرد و شهید می شود. لحظه ی هنری و اوج داستان زمانی ست که باد بلیت را از دست نرگس می گیرد و با خود می برد .این مسئله معنای دیگری را در ذهن متبادر می کند درست است که قهرمان داستان به شهادت می رسد و به مقصد نمی رسد. اما بردن بلیت توسط باد یعنی: حیات، یعنی تحرک ، یعنی زندگی وادامه داشتن ان است که هم اسم داستان است هم عنوان مجموعه .
نکته ی دیگر اینکه، استفاده از حواس پنجگانه و دیالوگ های روان وطبیعی در سراسر داستان به شکل



غیرشعاری نمود دارد . و چینش جوری رقم خورده که باعث شده داستان با شخصیت ها وجزییاتش در ذهن ماندگار شود والتذاذ داستان را افزون کند. اگر چه در واقع نمی شود به داستان ایرادی گرفت. اما به شکل بسیار جزیی. نثر داستان به ویرایش دیگری نیاز دارد. باید گفت این داستان، داستانی ست با رگه هایی از قدرت قوی نویسندگی و هنری، و موضوع دفاع مقدس اگه امروز کمتر نویسنده ای در باره اش داستان می نویسد.

بزرگداشت هفته کتاب با ۱۲۵ برنامه

مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گلستان از تدوین و اجرای ۱۲۵ عنوان برنامه به مناسبت بزرگداشت سی و چهارمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران (۲۳ تا ۳۰ آبان) در مراکز ثابت و سیار این نهاد در این با محوریت کتاب و کتابخوانی خبر داد و گفت: ۵۰ هزار کودک و نوجوان گلستانی عضو فعال کانون‌ها هستند. به گزارش روابط عمومی، الهه غیناقی در حاشیه نشست برخی اعضای نوجوان ۲ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نیز نویسندگان جوان گنبدکاووس با «عبدالرحمن اونق» نویسنده کتاب کودک و نوجوان و نقد و بررسی کتاب «فریاد آق اویلی» این نویسنده گلستانی گفت: برگزاری نشست‌های نقد و بررسی کتاب‌های کودک و نوجوان باحضور نویسندگان، اهدای کتاب، عضو گیری، نصب قفسه کتاب و اسباب بازی در کلاس‌های پایه اول و دوم ابتدایی و در مناطق روستایی و کم برخوردار استان بویژه در ۲ شهرستان گنبدکاووس و گمیشان در راستای طرح ملی «هزار دُرنای کاغذی بر بام مدارس، هر کلاس درس یک قفسه کتاب»، نوشتن خلاق و برپایی نمایشگاه کتاب از جمله برنامه‌های هفته کتاب و کتابخوانی در این نهاد فرهنگی است.وی با اشاره به وجود ۴۳۰ هزار دانش آموز در گلستان، افزود: ۲۶۰ هزار جلد کتاب در مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان جوابگوی نیاز همه دانش آموزان این استان نیست و می‌طلبد جامعه خیرین و خانواده‌ها نسبت به اهدای کتاب به کانون‌ها اهتمام بیشتری داشته باشند. غیناقی اضافه کرد: اگرچه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کشور هر سال در دو نوبت نسبت به اهدای کتاب‌های جدید به مراکز زیرمجموعه در استان‌ها اقدام می‌کند اما لازم است دیگر نهادها، مردم و خیرین گلستانی و شهرستان‌ها هم در حوزه اهدای کتاب و ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی بیشتر ورود داشته باشند.مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گلستان همچنین با اشاره به برگزاری نشست‌های نقد و بررسی کتاب‌ها باحضور نویسندگان آنها، گفت: این برنامه‌ها به ارتقای فکری نوجوانان در زمینه نوشتن خلاقانه و داستان نویسی کمک می‌کند. وی افزود: در این نشست‌ها سعی می‌شود کتاب‌های پرمخاطب گروه کودک و نوجوانان توسط خود کودکان و نوجوانان مورد نقد و بررسی قرار گیرد و برداشت‌های آنها از کتاب به نویسنده منتقل و نویسندگان هم پاسخ و راهنمایی‌های لازم را به بچه‌ها داشته باشند.غیناقی از امانت دادن حداکثر هفت جلد کتاب به هر عضو فعال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گلستان هم خبر داد و اضافه کرد: این اقدام در راستای فرهنگ‌سازی برای ترویج کتابخوانی و جذب اعضای جدید برای کانون‌ها درحال انجام است.



استفاده از ظرفیت سمن‌ها برای ارزان‌سازی ازدواج

مدیرکل ورزش و جوانان گلستان با تاکید بر نقش تشکل‌های مردم‌نهاد و خیرین در تسهیل ازدواج جوانان، گفت: این اداره‌کل با شناسایی ظرفیت‌های بخش غیردولتی، حمایت از تشکل‌های فعال در این حوزه و گسترش خدمات کم‌هزینه به زوج‌ها را دنبال می‌کند. به گزارش روابط عمومی، قاسم برزمینی اظهار کرد: تشکل‌های مردم‌نهاد خدمات خوبی در زمینه تسهیل و کاهش هزینه‌های ازدواج در استان ارائه کردند که حمایت بیشتر از این مجموعه‌ها می‌تواند بخشی از نیازهای جوانان را پوشش دهد.وی ادامه داد: اداره‌کل ورزش و جوانان گلستان با شناسایی ظرفیت تشکل‌های مردم‌نهاد و خیرین، تلاش می‌کند بیش از گذشته از توان آن‌ها برای آسان‌سازی ازدواج استفاده کند که فعالیت دبیرخانه مهر ماندگار در گلستان و حمایت از این تشکل، نمونه‌ای از همکاری اداره‌کل با بخش غیردولتی است. وی ادامه داد: از ابتدای امسال با همکاری مجمع خیرین ازدواج گلستان، برنامه‌هایی برای حمایت از زوج‌ها اجرا شده که از جمله آن‌ها پرداخت ۱۲ میلیارد تومان هزینه جهیزیه در گنبدکاووس با همت یکی از خیرین این شهرستان است. دبیر تشکل مهر ماندگار گلستان نیز در این جلسه گفت: این تشکل با هدف ارزان‌سازی ازدواج از سال ۱۴۰۳ در استان فعالیت می‌کند که زوج‌ها برای بهره‌مندی از خدمات این تشکل می‌توانند اطلاعات خود را در سامانه ملی مهر ماندگار، با نام پیشین «وصال شیرین» ثبت کنند. حکیمه ابراهیمی افزود: این دبیرخانه با ۲۳۸ صنف مرتبط با ازدواج در استان گلستان قرارداد همکاری دارد تا خدمات موردنیاز زوج‌ها را با تخفیف ارائه کند.وی یادآور شد: همچنین دبیرخانه مهر ماندگار گلستان از ابتدای امسال ۲ هزار و ۱۰۰ نفر در این استان از خدمات ازدواج آسان بهره‌مند شده‌اند.